

افوٽو ڊينني ميان يهوديان و مسلمانان



خام ڊڪٽر يعقوب ناگن

اوت ۲۰۲۴



اخوت دینی میان
یهودیان و مسلمانان
الگوی نوین برای آینده ای مشترک



مقدمه

سه دین بزرگ ابراهیمی تنها از روی ادب و احترام یا به دلیل ناگزیری تاریخی، تن به شکیبایی و مدارا با یکدیگر نداده اند.

دلیل حضورشان این است که دل به هم بگشایند، یکدیگر را بهتر بشناسند و به هم نیکی کنند.

محمد ششم پادشاه مراکش¹

این واژگان بیانگر چشم اندازی هستند که الهام بخش من و کارم بوده است. من یک خاخام هستم که باور دارم اراده‌ی خداوند بر این است که ادیان ابراهیمی روابط میان خود را ترمیم کنند و به منبعی از برکت برای همگان تبدیل شوند. من باور دارم که ما در داستانی بزرگ و شریف با یکدیگر شریک هستیم، داستانی که در آن هر دین نقشی منحصر به فرد دارد که باید برای خیر و صلاح بشریت ایفا کند.

¹ <https://www.morocccoworldnews.com/2019/03/269240/king-mohammed-vi-pope-francis-morocco-2>

چارچوبی نوین برای هم‌زیستی دینی

زیرعنوان و زیرنویس این اثر نه خواهان الگویی نو، بلکه خواهان الگویی نوسازی شده است. سال‌ها مطالعه در سنت دینی خودم و سنت‌های ادیان دیگر به من آموخته است که این ندا، پژواکی است از ژرفای متون بنیادین ما. مرکز بین‌ادیانی "اُور توره"² با تعهدی دوگانه به مطالعه و گفت‌وگو می‌پردازد: وفاداری به متون مقدس هر دین و باور به این که گفت‌وگو و تلاش مشترک، باید برخاسته از اراده‌ی الهی و بازتابی از آن باشد. در قرآن، هم‌هی سوره‌ها جز یکی با واژه‌ی "بسم الله" آغاز می‌شوند؛ یعنی "به نام خدا". در کتاب مقدس انجیل، ابراهیم در سراسر سرزمین سفر می‌کند و به نام خداوند ندا سر می‌دهد؛³ و این کتاب آینده‌ای از وحدت بشر را به تصویر می‌کشد که در آن، همگان به خدمت خداوند می‌پردازند و هم‌صدا نام او را می‌خوانند.⁴

شرایط خاص، نیازمند روی‌کردی خاص هستند

یگانگی و ویژگی‌های منحصر به فرد هر دین، ما را بر آن می‌دارد که چالش‌ها و ظرفیت‌های نهفته در هر رابطه‌ی بین‌ادیانی را با دقت و حساسیت بشناسیم. از این‌رو، تکیه بر الگویی یکسان برای تمام ادیان، توان‌چندانی در پیشبرد گفت‌وگوهای سازنده ندارد؛ حال آن‌که شناخت و احترام به ویژگی‌های متمایز هر رابطه، امکان تعاملی عمیق‌تر و اثرگذارتر را فراهم می‌سازد. با توجه به این نگاه، این رساله را به بررسی رابطه‌ی میان اسلام و یهودیت اختصاص داده‌ام

در بخش نخست این نوشتار، به تبیین دیدگاه یهودیت درباره‌ی منزلت و اهمیت اسلام پرداخته می‌شود. بخش دوم نیز با تمرکز بر سوی دیگر این رابطه‌ی دوجانبه، به واکاوی نگاه اسلام نسبت به جایگاه یهودیت و ملت یهود اختصاص دارد

پیش از پرداختن به موضوع اصلی، شایسته می‌دانم به نمونه‌ای الهام‌بخش از تجربه‌ی کلیسای کاتولیک اشاره کنم

² مرکز بین‌ادیانی اُور توره متشکل است از "مؤسسه بلیکله برای گفت‌وگوی بین‌ادیان" و "بیت‌مدرش برای یهودیت و انسانیت"

³ پیدایش ۱۳:۴

⁴ صفتیا ۳:۹

در سال ۱۹۶۵، شورای دوم واتیکان بیانیه‌ای با عنوان *Nostra Aetate* (در روزگار ما) صادر کرد که سرآغاز تحولی عمیق در روابط میان مسیحیت و یهودیت شد.^۵ در ادامه‌ی این مسیر، شکل‌گیری گفت‌وگویی دوجانبه میان یهودیت و اسلام نیز ضرورتی اساسی و گامی مکمل به‌شمار می‌آید مسیری که نهاد ما آن را به عنوان یک پروژه‌ی بلندمدت در نظر گرفته و دنبال می‌کند.^۶

از تنش‌های هویتی تا دستیابی به روایتی مشترک

نمونه‌های گوناگون از درگیری‌ها در خاورمیانه به‌روشنی نشان می‌دهند که چگونه بهره‌برداری ابزاری از دین می‌تواند پیامدهایی ویرانگر داشته باشد. با این حال، نباید از نظر دور داشت که دین می‌تواند سرچشمه‌ی برکت نیز باشد — از جمله در تحولات دیپلماتیکی که در سال‌های اخیر موجب نزدیکی بیشتر میان یهودیان و مسلمانان شده‌اند؛ برخی از این تحولات، بر قدرت همبستگی‌آفرین پدر مشترکمان، ابراهیم، تأکید دارند

پرسش کلیدی که در برابر روابط یهودی-مسلمانی، به‌ویژه در خاورمیانه، قرار دارد این است: آیا هویت‌های بنیادین ما، ما را رودررویی یک‌دیگر قرار می‌دهند، یا می‌توانند ما را گرد هم آورند تا آینده‌ای مشترک بنا کنیم؛ آینده‌ای که در آن، ما اجزایی مکمل از داستانی بزرگ و در حال گسترش باشیم؟ آیا دین می‌تواند از بخشی از معطل به بخشی از راه‌حل تبدیل شود؟ برای کسانی که باور دارند دیگری از سوی خداوند مردود شمرده شده و به دینی نادرست ایمان دارد، ایمان همچنان سبب جدایی و تفرقه خواهد بود. اما اگر در اندیشه و دل خود بپذیریم که خدایی که به او ایمان داریم، دوستش داریم، او را می‌پرستیم و او ما را دوست می‌دارد، همان خدایی است که دیگری را نیز دوست می‌دارد و او نیز در خدمت و عبادت اوست، آن‌گاه ایمان می‌تواند ما را به هم پیوند

^۵ در مقاله‌ای که در روزنامه تایمز آو اسرائیل با عنوان "گفت‌وگویی سه‌جانبه نوظهور میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان" منتشر کردم <https://blogs.timesofisrael.com/the-evolving-jewishchristian-muslim-trialogue> به درس‌هایی که می‌توان از این فرایند گرفت پرداختم. هم‌چنین کتاب "از رویارویی تا شراکت پیمانی: تأملاتی از یهودیان و مسیحیان بر بیانیه ارتدکس رایبانی انجام داده پدرمان در آسمان" را بررسی کردم؛ کتابی که بخشی از پاسخ‌های یهودیان به بیانیه *Nostra Aetate* را منعکس می‌کند. هم‌چنین لازم است به سندی با عنوان "سند برادری انسانی برای صلح جهانی و زندگی مشترک" اشاره کنم که در سال ۲۰۱۹ توسط پاپ فرانسیس و شیخ‌الزهر، احمد الطیب، امضا شد. (<https://www.vaticannews.va/en/pope/news/2019-02/pope-francis-uae-grand-imam-declaration-ofpeace.html>) این سند خشونت به نام دین را محکوم کرده، بر ارزش‌های دینی مشترک تأکید می‌کند و می‌گوید: "ایمان، مؤمن را به دیدن دیگران به عنوان برادر یا خواهری که باید حمایت و محبت شود، هدایت می‌کند." اما این سند به مشروعیت و ارزش هویت دینی خاص دیگری اشاره‌ای ندارد؛ موضوعی که نادیده گرفتن آن اغلب منشأ خشونت و تنش میان پیروان ادیان مختلف است. تأیید مشروعیت و ارزش هویت دینی دیگران می‌تواند به تعمیق احترام متقابل و همکاری کمک کند. این رساله قصد دارد همین گام اضافی را بردارد

^۶ ما یللم تأکید کنم که تمرکز فعلی بر پیوند برادری میان یهودیت و اسلام، به هیچ وجه به معنای کم‌اهمیت دانستن یا تضعیف دیگر روابط بین ادیانی نیست. برعکس، امید می‌رود که دستاوردهای مثبت در هر یک از این روابط، الهام‌بخش رشد و تحول در سایر تعاملات دینی نیز باشد

دهد. چنان‌که در کتاب مزامیر آمده است: "یار و همراه همه‌ی کسانی هستیم که از تو می‌هراسند، آنان که به زیستن بر پایه‌ی احکام تو پایبندند."⁷ این رساله در پی آن است که امکان چنین پیوند و همکاری‌ای را تأیید کند

در نگاه اول، توانایی میراث مشترک برای پیوند دادن ما به یکدیگر باید بدیهی باشد. به هر حال، ادبیات ربّانی به اعتقاد اسلام به خدا احترام می‌گذارد. همان‌طور که مایمونیدس (Maimonides) گفته است، مسلمانان "خدا را به وحدتی صحیح و کامل یگانه می‌دانند."⁸ هم‌چنین اسلام این مشترکات را به رسمیت می‌شناسد. برای مثال، قرآن به‌صراحت درباره‌ی یهودیان می‌گوید: "خدای ما و خدای آن‌ها یکی است و ما تنها تسلیم اویم."⁹ علاوه بر این، قرآن جایگاه ویژه‌ای برای یهودیان به‌عنوان "اهل کتاب" قایل است و تورات را راهنمایی از سوی خدا برای قوم یهود معرفی می‌کند

اما شکافی میان ظرفیت همکاری مبتنی بر موارد فوق و وضعیت کنونی روابط ما وجود دارد. این تفاوت عمدتاً ناشی از جدال‌های قرون وسطایی و درگیری‌های تاریخی است که به تفسیراتی از منابع اسلامی منجر شده که بسیاری از اظهارات مثبت درباره یهودیت، قوم یهود و کتاب مقدس را تضعیف کرده‌اند؛ و هم‌چنین به دلیل موقعیت تاریخی انزواطلبانه جامعه یهودی که محصول قرن‌ها آزار و اذیت بوده است

زمان آن رسیده است که پیروان هر دو دین درک کنند که می‌توانند رابطه‌شان را نه به‌عنوان دو روایت رقیب، بلکه به‌مثابه بخش‌هایی مکمل از یک داستان مشترک ببینند. در کنار یکدیگر، توان بیشتری برای مواجهه با چالش‌هایی خواهند داشت که از سوی جهانی پدید می‌آید که در آن رقیب اصلی نه دینی دیگر، بلکه بی‌دینی است. اگرچه این نگاه برای روابط میان همه ادیان حائز اهمیت است، در مورد اسلام و یهودیت اهمیت دوچندانی دارد. اسلام بر پایه‌ی تداوم پیامبری و زنجیره‌ای از وحی‌های الهی استوار است؛ از این رو، تضعیف یهودیت به‌نوعی تزلزل در بنیان‌های خود اسلام نیز محسوب می‌شود.¹⁰ یهودیان و آیین یهود نه‌تنها نقشی محوری در تاریخ ادیان ابراهیمی دارند، بلکه در تأیید برخی باورهای بنیادین اسلامی نیز گواهانی اساسی به شمار می‌روند؛ مانند باور به

⁷ مزامیر ۱۱۹:۶۳

⁸ ربّی موسی مایمونیدس بین سال‌های ۱۱۳۵ تا ۱۲۰۴ در مصر زیست. (Responso ۴۴۸)

⁹ قرآن: ۲۹:۴۶

¹⁰ پروفیسور تامر متوالی این نکته را به‌صورت برجسته‌ای در کتاب اخیر خود با عنوان "تعصب علیه یهودیت در نوشته‌های معاصر: شناخت و عذرخواهی" که توسط انتشارات الصادقین در سال ۲۰۲۰ منتشر شده، مطرح می‌کند

وحی در کوه سینا یا استمرار پیامبری. حتی قرآن نیز در آیه‌ای (سوره یونس، آیه ۹۴) از مسلمانان می‌خواهد در صورت تردید، به اهل کتاب رجوع کنند تا ایمانشان تقویت شود

از منظر یهودیت، اگر آرزو داریم وعده‌های کتاب مقدس درباره آینده‌ای مشترک میان قوم یهود و همه بشریت محقق شود، ناگزیر باید زمانی فرا رسد که به جای ساختن دیوارها، پلی میان خود و دیگران بنا کنیم. تحقق این چشم‌انداز نه‌تنها امری الهی، بلکه ضرورتی معنوی است؛ همان‌گونه که در آرمان نهایی دعای "علینو" بازتاب یافته است—دعایی که پایان‌بخش هر یک از سه نوبت نماز روزانه یهودیان است. در این دعا، تمام انسان‌ها در کنار یک‌دیگر گرد می‌آیند تا به یگانگی خداوند گواهی دهند و نام او را به زبان آورند، چنان‌که در آیه آمده است: "خدا یکی است و نام او یکی است."^{۱۱}

ضرورت اتکا به منابع اصیل

در حقیقت، این فرایند نه به معنای کنار نهادن باورهای بنیادی دینی، بلکه بازگشتی راستین به آن‌هاست — بازگشتی همراه با بازخوانی منابعی که به‌ظاهر با این اصول در تعارض‌اند. با وفاداری به متون مقدس خود، آن‌ها را با نگاهی نو بازمی‌خوانیم، و با گوشه‌ای تازه، صدای خداوند را می‌شنویم؛ صدایی که ما را به ساختن پل‌هایی از درک و احترام متقابل فرا می‌خواند — همه‌ی این‌ها را اراده‌ی الهی می‌دانیم؛ اراده‌ی خدایی که همه‌ی ادیان ابراهیمی او را خدای شخصی رحمت و شفقت می‌دانند، خدایی که نسبت به همه‌ی انسان‌ها دغدغه و محبت دارد

برای ساختن شراکت، ضروری است که الگوهای الهیاتی اصیل و عمیقاً مبتنی بر متون مقدس توسعه یابد؛ الگوهایی که هویت دینی دیگری را به‌عنوان بخشی مکمل در خدمت به خداوند به رسمیت بشناسند و برای آن ارزش قایل باشند. چنین الگوهایی، لزوماً مانع از نقد یا اختلاف نظر نیستند؛ اما مستلزم این باور مشترک — چه در سطح عقل و چه در سطح دل — هستند که همگی خدای یگانه‌ای را می‌پرستیم

ترویج این الگوهای الهیاتی، از رهگذر آموزش، تعاملات مردمی و تماس با تجربه‌های زیسته و دینداری دیگری، شرطی اساسی برای ایجاد تحولی ماندگار است. مطالعه‌ی مشترک، نیایش همراه با همدلی، و پیوندهای شخصی این توان را دارند که دل‌ها را دگرگون سازند و افق ذهن‌ها را به سوی ژرفای هویت مشترک بگشایند

^{۱۱} زکریا ۹: ۱۴

در مسیر تحقق این چشم‌انداز و بازاندیشی در سنت‌های مان، باید از به‌کارگیری واژه‌هایی چون "اصلاح" پرهیز کنیم؛ چرا که این‌گونه اصطلاحات ممکن است دلالت بر نفی آن چه نزد ما مقدس است داشته باشند. افزون بر این، چنین زبانی ممکن است در نگاه افراط‌گرایان، به‌منزله‌ی تأییدی بر درستی برداشت‌شان از دینی "اصلاح‌نشده" تلقی شود

زمانی برای نوسازی الهیات یهودی درباره‌ی اسلام

در حالی که قرآن به‌روشنی درباره‌ی یهودیان سخن گفته است، متون اصلی یهودیت مانند تورات و تلمود پیش از ظهور اسلام نگاشته شده‌اند و به همین سبب، نامی از آن در آن‌ها نیامده است. با این حال، می‌توان با تأمل در این متون و آثار متأخر یهودی، اصول و مبانی‌ای را برای شکل‌گیری یک الهیات میان‌دینی استخراج کرد و بر پایه‌ی آن‌ها، الهیاتی یهودی در باب اسلام پی‌ریزی نمود

به دلایلی که پیش‌تر بیان شد، چنین روی‌کردی تاکنون تنها به‌صورت محدود و اغلب در بسترهای خاصی شکل گرفته است؛ برای نمونه، در پاسخ به جدل‌های ضدیهودی و آزارهای دینی. به‌عنوان نمونه‌ای گویا، می‌توان به عنوان کامل اثر کلاسیک الهیات یهودی در قرون میانه، الکووزری اثر خاخام یهودا هلوی (۱۰۷۵-۱۱۴۱) اشاره کرد که چنین است: کتاب رد و اثبات به سود دین تحقیر شده — عنوانی که گویای وضعیت اندوه‌بار و موقعیت فرودست یهودیان در آن دوران است

با این حال، ما بر این باوریم که زمان آن فرا رسیده است تا روی‌کردی نوین در پیش گرفته شود. در کتاب و خدا یکی خواهد بود: بازاندیشی در روی‌کرد یهودیت به دیگر ادیان،¹² که مرکز ما آن را منتشر نموده، الهیاتی یهودی درباره‌ی ادیان دیگر ارائه می‌شود؛ الهیاتی که بر پایه‌ی منابعی برگرفته از نسل‌ها پژوهش و فقه ربانی شکل گرفته است. این مقاله، برخی از نتایج آن کتاب را بسط می‌دهد و آن‌ها را به‌طور خاص در مورد اسلام به کار می‌گیرد، تا بنیانی فراهم سازد برای احترامی اصیل و ریشه‌دار از سوی یهودیت نسبت به اسلام

¹² کتاب‌های مگید، ۲۰۲۴.

زمانی برای نوسازی الهیات اسلامی درباره‌ی یهودیت

از دیدگاه اسلام، همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، متون اصلی آن سرشار از منابعی است که به یهودیت، قوم یهود و کتاب مقدس آن‌ها، تورات، احترام و مشروعیت می‌بخشد. با این حال، این احترام و مشروعیت غالباً تحت تأثیر منابع و آموزه‌های دیگر قرار گرفته است. البته گزینش گزینشی منابع دلگرم‌کننده و نادیده گرفتن موارد مشکل‌زا، مشکلی را حل نخواهد کرد. بلکه لازم است الهیات اصیل اسلامی درباره یهودیت شکل گیرد که به صورت قانع‌کننده به این مسایل بپردازد

قطعاً این فرایند عمدتاً بر عهده‌ی رهبران دینی مسلمان است. با این حال، اجازه دهید توضیح دهم که چرا با وجود این که خودم مسلمان نیستم، تصمیم گرفته‌ام در این اثر به طور گسترده به این مسایل بپردازم

اول از همه، بسیاری از مطالبی که به اشتراک می‌گذارم حاصل سال‌ها مطالعه و گفت‌وگو با رهبران مسلمان از سراسر جهان است. علاوه بر این، معتقدم دیدگاه یهودی درباره برخی جنبه‌های الهیات اسلامی، به‌ویژه در نحوه برخورد آن با یهودیت، ارزش ذاتی دارد. به هر حال، بخش عمده‌ای از قرآن حول داستان‌هایی درباره قوم یهود و پیامبران آن‌ها شکل گرفته است. خود قرآن نقش قوم یهود را به عنوان شاهدانی بر خدا و وحی‌های او می‌داند. در سوره یونس آمده است: "پس اگر در آن چه بر تو نازل کرده‌ایم دچار تردید هستی، از کسانی که پیش از تو کتاب را می‌خواندند بپرس. حقیقت یقیناً از سوی پروردگارت به سوی تو آمده است؛ پس از شکاکان مباش."¹³ این آیه را می‌توان به عنوان دعوتی برای شنیدن صدای یهودیان درباره اسلام تعبیر کرد، به‌ویژه از سوی یهودیانی که به دین اسلام احترام عمیقی دارند

باید به این نکته نیز توجه داشت که برای تدوین یک الهیات یهودی نوین درباره‌ی اسلام، ضروری است که دیدگاه اسلام نسبت به ادیان دیگر نیز به‌خوبی درک کرد. آیا اسلام دینی انحصارطلب است که تمامی ادیان دیگر را رد و انکار می‌کند، یا دینی است که مسیرهای توحیدی دیگر را محترم می‌شمارد؟ آیا اسلام ظرفیت آن را دارد که شریکی در فرایند یک چشم‌انداز جهان‌شمول از بشریت متحد در ایمان و خدمت به خدا باشد؟ این پرسش‌ها را باید راهنمای جست‌وجوی یهودی در فهم اسلام دانست

¹³ ترجمه‌های قرآن بر اساس کتاب "پژوهش قرآن: ترجمه و تفسیر نوین" است؛ ویراستار ارشد: سید حسین نصر، انتشارات هارپرکالینز، ۲۰۱۵.

با این که اسلام در متون اصلی خود، به‌ویژه نسبت به ادیان اهل کتاب، روی کردی باز و انعطاف‌پذیری دارد، اما، نمی‌توان انکار کرد که برخی مسلمانان دیدگاهی افراطی و انحصارطلبانه‌ای در این فاز اتخاذ می‌کنند. هم‌چنین، واضح است که گروه‌هایی از افراط‌گرایان اسلامی به نام خدا و دین‌شان دست به خشونت زده‌اند. هر دین نتیجه‌ی تعامل میان متون مقدس و تفسیرهای پیروانش است. باید در نظر داشت که خدا و کتاب مقدس برای مؤمنان جاودانه‌اند، اما برداشت‌های مردمی از دین قابل تغییر است. از این رو، وظیفه رهبران دینی در هر دوره، هدایت و آموزش جوامع برای مقابله با افراط‌گرایی است

یکی از اهداف گفت‌وگوی بین‌ادیانی، تأثیرگذاری بر نحوه‌ی درک افراد از دین خود و آشکار ساختن ارزش‌های بنیادینی است که در منابع دینی‌شان ریشه دارد. مرحوم لرد جاناتان ساکس، رییس پیشین کنیسه‌های انگلستان، به خوبی به این نکته واقف بود. او به شدت استفاده از اصطلاح "افراط‌گرایان بنیادگرا" برای توصیف تروریست‌های خشونت‌طلب را نقد می‌کرد، زیرا این واژه القا می‌کرد که اصول بنیادین دین خطرناک است. برعکس، او معتقد بود که دین‌ها زمانی خطرناک می‌شوند که ما اصول بنیادین خود را فراموش کنیم. آن‌چه به نام "بنیادگرایان" شناخته می‌شوند، در واقع جدی‌ترین باورهای بنیادین دین خودشان هستند

یک دلیل نهایی برای حضور دیدگاه یهودی درباره‌ی یک دین ابراهیمی دیگر، وجود سابقه تاریخی است. پیش‌تر به سند تاریخی "نوسترا آیتاته" اشاره کردم. در آن مورد، ژول ایزاک¹⁴ یهودی، از طریق تحقیقات گسترده‌اش درباره مسیحیت و دیدارهایش با رهبران مسیحی، نقش کلیدی در بیدار کردن این فرآیند در کلیسای کاتولیک ایفا کرد¹⁵.

می‌خواهم تأکید کنم که این نوع پژوهش‌ها به معنای نیاز به سازش نیست، زیرا حقایق دینی قابل معامله نیستند و نباید باشند. برعکس، این تلاش بیانگر اعتقادی راسخ است که تنها راه ایجاد رابطه‌ای عمیق و اصیل میان پیروان ادیان مختلف، درک متقابل است. از دید من، مبنای الهیاتی استوار و قطعی برای بازنگری و نوسازی روابط میان یهودیان و مسلمانان موجود است. از نظر من، ترویج چنین بازتصورهای تکلیف‌الهی است که به واسطه آن، برکات مشترکات و تفاوت‌های ما آشکار شده‌است و برادری دینی عمیقی شکل می‌گیرد.

¹⁴ کتاب او با عنوان «عیسای مسیح و اسرائیل» (Jésus et Israël) در سال ۱۹۴۸ منتشر شده است.

¹⁵ ماشای مستند تأثیرگذار "مورخ ژولز آیزاکس، از آموزش تحقیر تا آموزش احترام" درباره زندگی او:

<https://www.youtube.com/watch?v=x5lh8VMQ4dw&feature=youtu.be>

بخش اول

الهیات یهودی درباره‌ی انسانیت و جایگاه ادیان مختلف

از آن‌جا که هم تورات و هم تلمود، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، پیش از قرآن و اسلام پدید آمده‌اند، نخست باید الهیاتی بنیادین در باب دیگر ادیان تدوین کنیم، و سپس بر پایه آن اصول، الهیاتی درباره اسلام بسازیم. این بخش شامل برخی از نتایج کتاب "خدا یکی است: بازنگری در رویکرد یهودیت به ادیان دیگر" می‌باشد

دین تنها درباره خدا نیست، بلکه درباره انسان‌ها نیز هست. بنابراین، الهیات یهود درباره ادیان دیگر به‌طور عمیقی با فهم یهودیان از داستان گسترده بشریت و نقش مردم یهود در آن پیوند خورده است

کتاب مقدس آغازگر روایت یهودیت یا قوم یهود نیست، بلکه با دو اصل بنیادین یعنی انسانیت مشترک و خدایی مشترک برای همه انسان‌ها آغاز می‌شود. بر پایه این دیدگاه، تمامی انسان‌ها به شباهت خداوند آفریده شده‌اند و ریشه در یک نیای مشترک دارند. این آموزه‌ها در متون ی نیز بازتاب یافته‌اند. در میشنا سنهدرین آمده است: "آدم به تنهایی آفریده شد... برای آن‌که صلح برقرار باشد و کسی به دیگری نگوید: پدر من از پدر تو برتر است."¹⁶ و در میشنا آووت آمده است: "انسان محبوب است، چرا که به صورت خداوند آفریده شده است."¹⁷

راه ابراهیم

هنگامی که خداوند پدران کتاب مقدس را برگزید، قصد او ترک کردن دیگر انسان‌ها نبود. برعکس، او ایشان را انتخاب کرد تا منشأ برکت برای تمام جهان باشند — همان‌گونه که درباره‌ی ابراهیم در کتاب مقدس آمده است: "در تو، همه‌ی خاندان‌های زمین برکت خواهند یافت."¹⁸ به همین ترتیب، خداوند اسحاق و یعقوب را نیز فرا خواند تا واسطه‌ی برکت برای همه‌ی ملت‌ها باشند.¹⁹

¹⁶ میشنا سنهدرین ۴:۵.

¹⁷ میشنا آووت ۳:۱۴.

¹⁸ پیدایش ۱۲:۳.

¹⁹ هم‌چنین نگاه کنید به پیدایش ۲۶:۴ و پیدایش ۲۸:۱۴.

تورات در توضیح علت برگزیده شدن ابراهیم برای این مأموریت، می‌گوید: "ابراهیم یقیناً به قومی بزرگ و نیرومند بدل خواهد شد، و تمامی ملت‌های زمین در او برکت خواهند یافت. زیرا او را شناخته‌ام تا فرزندان خود و اهل خانه‌اش را پس از خود فرمان دهد که راه خداوند را نگاه دارند، و عدالت و انصاف را به‌جا آورند."²⁰ این آیات یک ترتیب منطقی را ارائه می‌دهند: نخست می‌آموزیم که ابراهیم واسطه‌ی برکت برای بشریت خواهد بود؛ سپس روشن می‌شود که علت برگزیده شدن او، توانایی‌اش در فرمان دادن به فرزندان و اهل خانه‌اش برای پیروی از "راه خداوند" یعنی عمل به "عدالت و انصاف" است. تمرکز ظاهری این آیات بر انسان‌هاست، نه مستقیماً بر خدا. اما با نگاهی ژرف‌تر درمی‌یابیم که پیوندی اساسی میان بعد انسانی و بعد الهی وجود دارد: عمل به "عدالت و انصاف" در سطح روابط انسانی انجام می‌گیرد، اما خود "راه خداوند" محسوب می‌شود. همان‌گونه که داستان آفرینش انسان، بر دو محور "منشأ مشترک" و "وجهی الهی مشترک" تأکید دارد، در این‌جا نیز هم پیوند عمودی با خدا و هم پیوند افقی با دیگر انسان‌ها دیده می‌شود.²¹

ما استمرار این روی‌کرد دوگانه را در نخستین سخن خداوند با قوم اسرائیل، در آستانه‌ی دریافت تورات بر کوه سینا، مشاهده می‌کنیم؛ جایی که ایشان را فرا می‌خواند تا "پادشاهی‌ای از کاهنان وامتی مقدس" باشند.²² در این بیان، قوم اسرائیل همچون کاهنانی تصویر می‌شوند که رسالت‌شان خدمت به جامعه‌ای فراتر از خویش است.²³ خاخام برجسته‌ی ایتالیایی، عوودیا سفورنو (۱۵۴۹-۱۴۷۵)، این عبارت "پادشاهی‌ای از کاهنان" را چنین تفسیر می‌کند که مأموریت اسرائیل، تحقق چشم‌انداز پیامبرانه‌ای است که در آن، همه‌ی ملت‌ها به پرستش خداوند می‌پردازند. در این چارچوب،

²⁰ پیدایش ۱۸: ۱۸-۱۹.

²¹ من بر این باورم که پیوند میان انسان و خداوند، پیام اساسی سنت ابراهیمی است. در نخستین سطور کتاب برای سرگشتگان این نسل، خاخام آبراهام اسحاق کوک چنین اعلام می‌کند: "این‌که انسان به صورت خدا آفریده شده، بنیاد تورات است." یکی از متون کهن قبایلا، به نام بحیر (بند ۶)، این مفهوم را در خود نام ابراهیم ریشه‌یابی می‌کند و یادآور می‌شود که ارزش عددی نام عبری ابراهیم (۲۴۸) برابر با واژه‌ی عبری "به صورت خدا" אֱלֹהִים - בְּשֵׁם אֱלֹהִים است. این مفهوم در آموزه‌های یکی از چهره‌های برجسته‌ی شریعت تلمودی، خاخام عقیوا، نیز بازتاب یافته است. او گفته بود: "محبوب است انسان، چرا که به صورت (خداوند) آفریده شده است" (مشناه، اوت ۱۴: ۳)، و همچنین تأکید کرد که اصل اساسی تورات، محبت به دیگری است (تلمود اورشلیمی، نذیرین ۴: ۹). این پیام در سراسر ادیان ابراهیمی جریان دارد. برای نمونه، عیسی، وقتی از او پرسیده شد که مهم‌ترین فرمان چیست (مرقس ۱۲: ۲۸-۳۱)، دو آیه‌ی کتاب مقدس را برگزید: محبت به خداوند با تمام دل (تثنیه ۵: ۶) و محبت به همسایه مانند خویشستن (لاویان ۱۹: ۱۸). به‌طور مشابه، قرآن نیز بارها نماز را در کنار صدقه قرار می‌دهد. به‌ویژه سوره ۱۰۷، الماعون، نمونه‌ای روشن از این پیوستگی میان عبادت و عمل اجتماعی است.
²² خروج ۱۹: ۶.

²³ ملاکی ۲: ۷: "زیرا لبان کاهن، نگهبان دانش‌اند و مردم از دهان او تعلیم می‌طلبند، چرا که او فرستاده‌ی پیهو صباوت (خدای لشکرها) است. این آیه نقش کاهن را به‌روشنی بیان می‌کند: او منبعی برای دانش است که دیگران برای هدایت و راهنمایی به او رجوع می‌کنند

برگزیدگی نه به معنای امتیاز یا برتری، بلکه به منزله‌ی تعهد و مسؤولیت در برابر دیگران فهمیده می‌شود.²⁴ برگزیدگی، در واقع، دعوتی است به ایفای نقش در خدمت به کل بشریت.²⁵

اگر به دوره‌ی معبد اول بازگردیم — دوره‌ای که برای قوم یهود نماد پیوند میان آسمان و زمین است — بار دیگر با مفهوم مسؤولیت جهانی روبه‌رو می‌شویم. در دعای وقف معبد، شاه سلیمان از خداوند می‌خواهد که دعا‌های همه‌ی مردمانی را که برای نیایش به این مکان می‌آیند، بشنود و اجابت کند

و نیز بیگانه‌ای که از قوم تو، اسرائیل، نیست و از سرزمینی دور به خاطر نام تو می‌آید...
و برای دعا به این خانه می‌آید — تو از آسمان، از جایگاه سکونت خویش، بشنو و هر
آنچه او از تو بخواهد برایش به‌جا آور، تا همه‌ی ملت‌های جهان نام تو را بشناسند
و همچون قوم تو، اسرائیل، از تو بترسند²⁶

با رفتن به سوی پیامبر اشعیا، تحقق مأموریت ابراهیم را می‌بینیم. اشعیا آینده‌ای را توصیف می‌کند که در آن "همه‌ی ملت‌ها" به اورشلیم می‌آیند تا "راه خدا" را که راه عدالت و صلح است، بیاموزند.²⁷ مایه‌ی شگفتی و تأمل است که نام ابراهیم به نماد میراث مشترک ادیانی بدل شده که امروزه بخش عظیمی از بشریت را در بر می‌گیرند. افسانه‌ای از اوایل سده‌ی سوم میلادی به‌شیوه‌ای خیالی‌انگیز انتظار به‌رسمیت‌شناختن جهانی ابراهیم را بازگو می‌کند: "راو می‌گوید: در آن روز که پدر ما ابراهیم از این جهان رفت، رهبران ملت‌های جهان در صف ایستادند و گفتند: وای بر جهانی که رهبرش را از دست و وای بر کشتی‌ای که ناخدای خود را از کف داده است."²⁸

²⁴ "شما برای من پادشاه‌های از کاهنان خواهید بود" ... یعنی فهماندن و آموزش دادن به همه‌ی بشریت تا به نام خدا بخوانند و با هم به او خدمت کنند، همان‌گونه که قوم یهود در آینده چنین خواهند بود، چنان‌که آمده است: "شما کاهنان خدا خوانده خواهید شد" (اشعیا ۶۱:۶)، و نیز آن‌گونه که گفته شده: "تورات از صهیون بیرون خواهد آمد" (اشعیا ۲:۳). (سفورونو بر خروج ۱۹:۶).
²⁵ این اندیشه توسط فیلسوف امانوئل لویناس بسط یافته است: "من خود را در برابر دیگری موظف می‌بینم؛ از این‌رو، نسبت به خودم بسیار سخت‌گیرتر از دیگران هستم... هیچ آگاهی اخلاقی‌ای وجود ندارد که متضمن آگاهی از این موقعیت استثنایی نباشد؛ آگاهی از برگزیده بودن." (آزادی دشوار؛ جستارهایی درباره یهودیت، لندن، ۱۹۹۰، صص ۲۱-۲۲)

²⁶ اول پادشاهان ۸:۴۱-۴۳.

²⁷ اشعیا ۲:۲-۴.

²⁸ تواترا ۹۱.

به‌زبان آوردن نام خدا با یک شانه

برای من، چشم‌انداز هدایت‌کننده این همکاری آینده‌ی بشری همان است که پیامبر صغیا ترسیم کرده است: "آن‌گاه به ملت‌ها زبان پاک خواهیم داد تا همه نام خداوند را بخوانند و با همدلی و اتحاد او را خدمت کنند."²⁹ آن‌چه با فراخوانی ابراهیم به نام خدا آغاز شد،³⁰ اکنون تبدیل به فریادی مشترک برای همه‌ی بشریت شده است. من همیشه بخش نخست این آیه را به‌عنوان دعوتی برای ترویج فعالیت‌های بین‌دینی فهمیده‌ام، اما معنای "با یک شانه" مدت‌ها برایم نامفهوم بود. تا روزی که پس از یک نماز مشترک میان رانیان و امامان، از دوست عزیزم، امام دکتر طالب شریف، آغوش گرمی دریافت کردم. هنگامی که چهره به چهره و دل به دل در آغوش هم بودیم، ناگهان درک کردم که ما هم‌چنین شانه به شانه هم ایستاده‌ایم و یکی شده‌ایم. آن‌گاه معنای کامل آیه صغیا برایم روشن شد: بخش نخست، "همه به نام خدا خواندن" محور عمودی اتصال انسانیت به خدا را بیان می‌کند، و بخش دوم "با یک شانه او را خدمت کردن" اشاره به خط افقی اتصال انسان‌ها به یک‌دیگر دارد و به ما می‌آموزد که برادری، راهی برای خدمت به خداست

در اوت ۲۰۲۲ دچار خونریزی شدید مغزی شدم و چند روزی میان زندگی و مرگ در نوسان بودم. در آن دوران، این آیه کتاب مقدس معنایی شخصی برایم یافت. همسرم به‌سرعت از برادران و خواهران یهودی‌مان برای دعا کمک خواست و از طریق تماس‌های واتساپ تلفنم، به امامان، شیوخ، قضات، اسقف‌ها و کشیش‌ها پیام داد و درخواست دعا برای من کرد. پاسخ‌ها بسیار گسترده بود و با رحمت خداوند و مهارت پزشکان، هنوز این‌جا هستم. این برای من تحقق کوچک، اما، مهمی بود از چشم‌انداز فراخوان مشترک به نام خدا. قدردانی من از دعا‌های افراد نیک‌سرشت با ایمان‌های مختلف، انگیزه و مسؤولیت اخلاقی‌ام را برای کمک به بهبود جهان شکسته‌مان و اتحاد بشریت در نور و محبت، تقویت کرد

²⁹ صغیا ۳:۹.

³⁰ پیدایش ۱۲:۸.

خدا یکی خواهد بود

"خدا یکی خواهد بود و نام او یکی."³¹ چنان که پیش‌تر بیان شد، این آیه پایان‌بخش هر یک از سه نماز روزانه‌ی یهودیان است و روح باور بنیادین یهودیت را در قالب دعای شِما بازمی‌تاباند؛ همان دعایی که می‌گوید: "بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یکی است."³²

این پیام، بی‌گمان، در مرکز همه‌ی ادیان ابراهیمی قرار دارد. در کتاب مرقس، زمانی که از عیسی پرسیده می‌شود: "از میان همه‌ی فرمان‌ها، کدام یک مهم‌تر است؟" او با نقل دو آیه‌ی نخست از "شماع" پاسخ می‌دهد: "مهم‌ترین فرمان این است: بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یگانه است. و خداوند، خدای خود را با تمام دل، جان، اندیشه و توان خود دوست بدار."³³ به همین صورت، نخستین رکن از پنج رکن اسلام "شهادتین" است که با تأکید بر توحید آغاز می‌شود: "لا اله الا الله..." (هیچ خدایی جز خدا نیست)

مفسر کلاسیک کتاب مقدس، راشی (ربی شلومو ییتسحاکی، ۱۰۴۰-۱۱۰۵ میلادی)، از آیات فوق از زکریا و صفنیا چنین نتیجه می‌گیرد که تحقق "شماع" منوط به مشارکت مشترک با تمام بشریت است

خدایی که اکنون خدای ماست و نه خدای دیگر ملت‌های جهان، در آینده تنها خدای یگانه خواهد بود، چنان‌که آمده است: "آن‌گاه به قوم‌ها زبان پاک خواهیم بخشید تا همگی نام یهوه را بخوانند" (صفنیا ۹:۳)، و نیز آمده است: "در آن روز، یهوه یکی خواهد بود و نام او یکی." (صفنیا ۱۴:۹)³⁴

اکنون به نگرش یهودی درباره‌ی راه رسیدن به این هم‌دلی معنوی، چالش‌های پیش‌رو در این مسیر، و شیوه‌های غلبه بر آن‌ها می‌پردازیم

³¹ زکریا ۹:۱۴

³² تثنیه ۴:۶

³³ مرقس ۱۲:۲۹-۳۰، با نقل از تثنیه ۴:۶-۵

³⁴ راشی در تفسیر تثنیه ۴:۶ بر این نکته تأکید می‌کند که این دیدگاه برای او امیدی به آینده بود و نه واقعیتی در زمان حاضر. او در منطقه راینلند زندگی می‌کرد، زمانی که جوامع یهودی آن‌جا شاهد قتل‌عام‌های گسترده و تغییرات اجباری دین به دست صلیبیون به نام مسیحیت بودند. این زمینه تاریخی اهمیت زیادی دارد تا بفهمیم چرا به طور کلی راشی دیدگاهی منفی نسبت به مسیحیت داشت

روی کرد یهودی به ادیان توحیدی

در دین ما هیچ اصل اساسی وجود ندارد که با دیگر ادیان مخالفت کند، و ممکن است آن‌ها بر اساس شرایط و ارزش‌شان، از طریق دانش و نبوت فراوان یا روح القدس یا هر کمک الهی دیگری که به وسیله نیکوکاران و پارسایان‌شان به آن‌ها می‌رسد، تأثیر بپذیرند... ادیانی که به یگانگی خدا ایمان دارند نیازی به ترک دین خود ندارند و همواره می‌توانند با افکاری باز و پارسایی کامل در آن باقی بمانند.³⁵

تعداد پیروان یهودیت نسبت به دیگر ادیان ابراهیمی کم است. این موضوع تا حدی به این دلیل است که یهودیت دینی تبلیغی نیست. این مسأله ناشی از بی‌تفاوتی نسبت به بشریت گسترده‌تر نیست، بلکه به باور ما بازمی‌گردد که رهایی، خدمت به خدا و رابطه با ذات الهی نیازی به یهودی بودن ندارد. توصیف³⁶ باستانی تصدیق می‌کند که "برگزیدگان ملل، سهمی در بهشت دارند."³⁷ مدراش تنا دیوی الیاهو نیز اعلام می‌کند: "شهادت می‌آورم به آسمان و زمین که چه یهودی باشد و چه غیر یهودی، مرد یا زن، برده یا خدمتکار، این به رفتارهایشان بستگی دارد که روح القدس بر آن‌ها نازل می‌شود."³⁸

در کنار تأیید نقش دیگر ادیان توحیدی، یهودیت باور دارد که قوم یهود به‌طور خاص به مفاد عهد سینا متعهد هستند. این به آن معنا نیست که هر رفتار و باوری برای دیگر ملت‌ها پذیرفتنی است. بلکه یهودیت مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و معنوی جهانی را شناسایی می‌کند - هر چند تحقق این اصول تنها از طریق شیوه‌های یهودی ممکن نیست. امروزه بخش بزرگی از بشریت و ادیان‌شان در بسیاری از این ارزش‌ها و باورهای اساسی با یک‌دیگر هم سخن اند

³⁵ خاخام آبراهام آیزاک کوک (۱۸۶۵-۱۹۳۵) در کتاب برای سرگشتگان این نسل، فصل ۵۲، به این موضوع پرداخته‌است. تحلیلی جامع از الهیات ادیان در اندیشه‌ی خاخام کوک در فصلی از کتاب یازدهمی که به او اختصاص یافته، ارائه شده‌است.

³⁶ سنهدرین ۱۳:۲ (نوشته‌شده در قرون دوم و سوم میلادی).

³⁷ هم‌چنین نگاه به سنهدرین ۱۰۵ الف، از تلمود، و قوانین پادشاهان و جنگ‌ها از میشنه توره (اثر موسی بن میمون)، فصل ۱۱:۸.

³⁸ تنا دوی الیاهو، فصل ۹.

این دیدگاه از یکسو هویت منحصر به فرد هر جامعه را حفظ می‌کند و از سوی دیگر، چشم‌اندازی مشترک با همه‌ی بشریت را به رسمیت می‌شناسد. این آموزه‌ی بنیادین، پایه‌ی یگانگی و برادری جهانی است.³⁹ من باور دارم که این پیام، رسالت قوم یهود است. واژه‌ی "رسالت" را نه به معنای مسیحی آن که دلالت بر تلاش برای گرویدن دیگران دارد، بلکه به معنای پاسخ دادن به ندای پیامبران برای ساختن آینده‌ای عظیم برای بشریت، بر پایه‌ی ارزش‌ها و باورهای بنیادین مشترک به کار می‌برم. در تصویری که خاخام یهودا لیئون اشکنازی⁴⁰ به کار می‌برد، هویت‌های گوناگون بشری همچون گل‌های متنوع و زیبا هستند؛ نقش قوم یهود آن است که همچون نخ پیوند دهند، این گل‌ها را در کنار هم نگاه دارد و دسته‌گلی چشم نواز بسازد.⁴¹

قوم یهود به دلایل متعددی برای ایفای این نقش بسیار مناسب اند. اول این‌که، یهودیان نگرهبانان و شاهدان قدیمی‌ترین روایت اصلی بخش بزرگی از بشریت هستند. کتاب مقدس عبری نزد مسیحیان مقدس شمرده می‌شود و پیامبران آن نیز در اسلام محترم‌اند؛ به طوری که نام موسی بیش از ۱۳۰ بار در قرآن آمده است. دوم این‌که، یهودیت درصدد تغییر دین دیگران نیست. این دو ویژگی، یهودیان را قادر می‌سازد تا در مسیر ایجاد جهانی که همزمان هم وحدت و هم تنوع را پاس دارد، نقش مؤثری ایفا کنند.⁴²

³⁹ به فصل مربوط به خاخام یهودا اشکنازی (مانیتو) در کتاب خدا یکی خواهد بود نوشته‌ی نغن، روزنیلات و ملاخ مراجعه کنید؛ هم‌چنین به کتاب کرامت تفاوت‌ها: چگونه از برخورد تمدن‌ها جلوگیری کنیم اثر خاخام جانانان ساکس، به‌ویژه فصل سوم؛ و

نیز مقاله‌ی یاکو نغن با عنوان "نوح: جان لئون و برج بابل" در کتاب برکت شو: معنویت یهودی میان شرق و غرب
⁴⁰ خاخام یهودا اشکنازی (۱۹۲۲-۱۹۹۶)، که با نام مستعار "مانیتو" شناخته می‌شود، در محیط مسلمان‌نشین الجزایر به دنیا آمد و بزرگ شد. او در دوران بزرگسالی در فرانسه زندگی کرد و یکی از شخصیت‌های برجسته ربانی در میان یهودیان فرانسه بود و *سُد میدراش هاتولدوت*، جلد ۱، ص ۴۶. ترجمه انگلیسی آن در کتاب "خدا باید یکی باشد" موجود است.

⁴² همان‌طور که در ادامه توضیح خواهیم داد و همان‌طور که در نقل‌قول ابتدایی این متن از ملک محمد ششم اشاره شده، در منابع اسلامی نیز دیدگاه‌هایی وجود دارد که به تنوع دینی ارزش می‌دهند. این دیدگاه‌ها در گفت‌وگو معاصر کمتر مطرح می‌شوند، اما ما امیدواریم و باور داریم که می‌توانیم فرآیندی را تسریع کنیم که این صدا از درون اسلام شنیده شود. هم‌چنین به شعار اندونزی، بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان، اشاره می‌کنم: "بین‌هکا تونگال ایکا" به معنای "وحدت در میان تنوع". در سفرهایم به این کشور شاهد بسیاری از اندونزیایی‌ها بودم که این شعار را در زندگی خود به اجرا گذاشته‌اند. به ویژه سازمان اندونزیایی "تهضت علماء" (تهضت بیداری علماء)، که بزرگ‌ترین سازمان مسلمانان جهان است، و رهبر آن، آقای یحیی استقوف، که افتخار دوستی طولانی‌مدت با ایشان را دارم، برایم بسیار تأثیرگذار بودند

تعهدات جهانی بشر

در کنار حقوق جهانی که از سوی خداوند تعیین شده‌اند، وظایف جهانی‌ای نیز وجود دارند که منشأ الهی دارند. بر این اساس، بهودیت بر این باور است که هفت فرمان (میتسوا) برای فرزندان نوح مقرر شده که شامل حال تمام بشریت می‌شود. برای درک اهمیت این فرامین، ضروری است زمینه‌ای که در آن پدید آمده‌اند و ویژگی‌های اصلی آن‌ها را بشناسیم.⁴³

تالمود از کتاب مقدس فهرستی از هفت فرمان استخراج می‌کند که همه‌ی فرزندان نوح (یعنی تمام بشریت) را موظف می‌سازد. "به فرزندان نوح هفت میتسوا (فرمان) داده شد: برپایی دادگاه‌های داوری، کفرگویی، بت‌پرستی، انحراف جنسی، قتل، دزدی، و [خوردن] عضوی از حیوان زنده."⁴⁴ تا زمان نوح، داستان کتاب مقدس درباره‌ی انسانیت، روایت یک انحطاط تدریجی اجتماعی است که سرانجام به طوفان بزرگ منتهی می‌شود. با در نظر گرفتن این زمینه، می‌توان هفت میتسوا را به منزله‌ی قوانینی در نظر گرفت که برای جلوگیری از تکرار الگوهای رفتاری‌ای وضع شده‌اند که جهان را به سوی نابودی کشاندد

به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که این هفت فرمان (میتسوا) در هر یک از ادیان ابراهیمی گنجانده شده‌اند. به گفته‌ی خاخام تسوی هیرش خایس (۱۸۰۵-۱۸۵۵):⁴⁵ "هفت فرمان، تمامیت قوانین عقلانی را در بر می‌گیرند؛ قوانینی که هم مسیحیان و هم مسلمانان در هر جایی که حکومت می‌کنند، اجرای آن‌ها را الزام‌آور می‌دانند. آن‌ها هم‌چنین مراقب اجرای احکام مربوط به روابط جنسی ممنوع، قتل، دادگاه‌های داوری، کفرگویی و دزدی هستند و در مجازات متخلفان سخت‌گیرند... افزون بر این، مسلمانان مشرک نیستند و در رعایت این هفت فرمان، دقت فراوان دارند."⁴⁶

⁴³ نگاه: یاکوف ناگن، "قوانین نوحی: بنیان تمدن یا هویت دینی؟"

<https://traditiononline.org/noahide-laws-civilizations-foundation-or-religious-identity>

⁴⁴ سنهدرین ۵۶: دو مورد از این میتسواها (عبادت بت‌ها و کفرگویی) برای جلوگیری از آسیب به رابطه میان انسان و خدا وضع شده‌اند؛ دو مورد دیگر (روابط جنسی ممنوعه و قتل) ارتکاب آسیب‌های جدی در درون جامعه انسانی را ممنوع می‌کنند؛ دو فرمان دیگر (دزدی و برپایی دادگاه‌های عدالت) از مالکیت شخصی محافظت کرده و در نتیجه از همکاری شکننده‌ای که پایه‌ی اقتصاد انسانی است نیز حمایت می‌کنند؛ و آخرین مورد (خوردن از حیوان زنده) بی‌رحمی نسبت به دیگر موجودات را ممنوع می‌سازد.⁴⁵ یکی از علمای برجسته‌ی ربانی در منطقه‌ی گالیسیا که اثر شاخص او، مقدمه‌ای بر ادبیات تلمودی با عنوان *میوه هاتلمود*، جایگاه ویژه‌ای در میان آثار ربانی دارد

⁴⁶ تاب کنترس *تفیرت* بیس‌رائل، نقل شده در *کل سیفیری* ماهاراتس حیوت، جلد ۱ (اورشلیم: دیوری خاخامیم، ۱۹۵۸)، صفحات ۴۸۹-۴۹۰. بیانات مشابه فراوانی از دیگر علمای ربانی نیز در کتاب "خدا یکی خواهد بود" ذکر شده‌اند

این هفت فرمان (قوانین نوحی) عمدتاً جنبه‌ی بازدارندگی دارند. آن‌ها بیان می‌کنند که انسان باید از چه کارهایی پرهیز کند، اما راهنمایی‌ای برای چگونگی ساختن یک جامعه‌ی آرمانی یا تعمیق رابطه‌ی انسان با خدا ارائه نمی‌دهند. این قوانین، محتوای کامل یک دین را شکل نمی‌دهند؛ دینی که باید هم شامل خدمت عمودی به خداوند باشد و هم رابطه‌ی افقی با دیگران را پوشش دهد

ادیان کامل و سامان‌یافته‌ای که بر ایمان به خدایی متعالی و ناظر استوارند - خدایی که انسان را به کنش اخلاقی فرا می‌خواند - به‌طور طبیعی دربرگیرنده‌ی قوانین نوحی نیز هستند. بنابراین، این ادیان به‌مراتب فراتر از آن چارچوب محدود از قوانین صرف قرار می‌گیرند.⁴⁷ چنین برداشتی، مبنای شکل‌گیری الهیاتی مثبت در یهودیت نسبت به دیگر ادیان به‌شمار می‌آید

این باور که خداوند دینداری و بندگی الهی همه‌ی انسان‌ها را ارج می‌نهد، در کتاب مقدس بازتاب یافته است. به‌گفته‌ی پیامبر ملاکی

زیرا از طلوع خورشید تا غروب آن، نام من در میان ملت‌ها بزرگ است، و در هر جا
برای نام من بخور و هدیه‌ای پاک تقدیم می‌شود - زیرا نام من در میان ملت‌ها عظیم
است، می‌گویند یهوه صباوت (خدای لشکرها).⁴⁸

بزرگی نام خدا در سراسر جهان شناخته می‌شود و در جای‌جای دنیا برای او قربانی‌ها تقدیم می‌شود. افزون بر این، یادآور می‌شود که این شناسایی الهی فراتر از مناطقی است که با قوم یهود آشنایی دارند.⁴⁹

⁴⁷ این دیدگاه در طول تاریخ، بارها و به‌صراحت از سوی بسیاری از حکمای ربانی بیان شده است؛ مشهورترین آن‌ها خاخام منخیم بن شلومو میری (Meiri) (۱۳۱۵-۱۲۴۹) بود که این ایده را بر ادیانی که با آن‌ها آشنا بود - یعنی مسیحیت و اسلام - تطبیق داد. این رویکرد، محور اصلی کتاب "خدا یکی خواهد بود" (God Shall Be One) است که در آن به منابع فراوانی استناد شده و استدلال‌های متعددی در تأیید این دیدگاه ارائه گردیده است
⁴⁸ ملاکی ۱۱:۱.
⁴⁹ تلمود، مناخوت ۱۱۰ الف.

خوانشی یهودی از الاهیات اسلامی

در این نوشتار، تلاش می‌شود عناصر اصلی خوانشی یهودی از الاهیات اسلامی آرایه گردد. هر بخش بر پایه‌ی بخش پیشین بنا شده است، از این‌رو گام‌به‌گام پیش خواهیم رفت تا شالوده‌های یک رابطه‌ی برادرانه و معنادار را روشن سازیم. رابطه‌ای که ریشه در هویت‌ها و باورهای بنیادین ما دارد

1. باور مشترک به خدا

در سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۶ آمده است: "خدای ما و خدای شما یکی است" که درباره‌ی یهودیان سخن می‌گوید. اما مایمونید نیز بیانی مشابه درباره‌ی مسلمانان دارد و می‌گوید: "آنان خدا را به‌درستی یگانه می‌دانند، یگانگی‌ای بی‌نقص."⁵⁰ قدردانی از این باور مشترک به خدای یگانه، گامی اساسی برای ارزش نهادن واقعی به محبت، دعا، فروتنی، تقوا و خدمت صادقانه‌ی دیگری به خداوند است

پذیرش باور مسلمانان به خدای یگانه، آثار فقهی و عملی در شریعت یهود دارد. خاخام آویگدور نبن‌تساهرل، که سال‌ها خاخام اعظم بخش قدیمی اورشلیم بود، حکم داده است که بی‌احترامی یا تخریب مسجد از نظر شرع یهود ممنوع است. وقتی در این باره از او پرسیدم، از این‌که این نظر را فتوا تلقی کرده‌ام متعجب شد، چراکه به‌گفته‌ی خودش، صرفاً یک حقیقت بدیهی را بیان کرده بود. او تأکید کرد که این مسأله ربطی به تساهل دینی ندارد، بلکه چون مسلمانان خدای واحد را عبادت می‌کنند، مسجد در حکم خانه‌ای برای عبادت خداست و باید حرمت آن حفظ شود. خاخام عوودیا یوسف (۱۹۲۰-۲۰۱۳)، از دیگر شخصیت‌های برجسته‌ی دینی و خاخام اعظم پیشین اسرائیل، نیز نگاهی مشابه داشت. در سال ۱۹۴۷، زمانی که در قاهره اقامت داشت، اگر کنیسه‌ای در دسترس نبود، نماز را ترجیحاً در مسجد می‌خواند و نه در فضای باز.⁵¹ هم‌چنین روایت شده که خاخام شموئل سالانت (۱۸۱۶-۱۹۰۹)، خاخام اعظم اورشلیم در طول چند دهه، از عبور در برابر مسلمانی که در حال نماز بود پرهیز می‌کرد، چراکه در سنت یهود، باور بر این است که حضور الهی، محل عبادت فرد دعاگو را دربر می‌گیرد

⁵⁰ تَشْوَوُوت هارامیام (پاسخ‌های رمیام)، نسخه‌ی بلو، شماره‌ی ۴۴۸.
⁵¹ منبع این روایت درباره‌ی خاخام عوودیا یوسف، دختر او، عادیته بار شالوم است.

2. راه ابراهیم

همان طور که پیش تر گفته شد، هم اسلام و هم یهودیت، ابراهیم را به‌عنوان یک پدر معنوی می‌شناسند که راه خدا را به جهانیان نشان داد. هر دو دین به او عنوان منحصربه‌فرد "دوست خدا"⁵² را داده‌اند. قرآن ابراهیم را آموزگاری جهانی توصیف می‌کند: "و [به یاد آور] هنگامی که پروردگارش ابراهیم را با کلماتی آموذ، و او آن‌ها را به‌جا آورد." [خدا] فرمود: "من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم..."⁵³ و هم‌چنین می‌فرماید: "و چه کسی از آیین ابراهیم روی‌گردان می‌شود، جز کسی که دلی نادان دارد؟"⁵⁴ به همین ترتیب، میمونید (موسی بن میمون) در رساله خود به یمن، ابراهیم را "ستون جهان" می‌نامد و او را کسی معرفی می‌کند که "علت نخستین کل هستی را کشف کرد و اهمیت بنیادی اصل یگانگی خدا را برای همه بشریت نشان داد."⁵⁵

3. داستان‌های مشترک پیامبران و دیگر شخصیت‌های کتاب مقدس

علاوه بر این، ما بخش زیادی از داستان بنیادین جهان و تعاملات خدا با بشریت را با یک دیگر سهیم هستیم. اسلام با یهودیت بخش زیادی از روایت آفرینش، نوح، پدران بنی‌اسرائیل، بردگی در مصر و رهایی فرزندان اسرائیل، پیمان در سینا، سفر به سرزمین موعود، پادشاهی داوود و سلیمان، و بسیاری موارد دیگر را مشترک دارد.

4. ادعان متقابل به ریشه‌ی قومی مشترک

هم یهودیان و هم عرب‌ها (که مسلمانان اولیه از قوم عرب بودند) تبار مشترک خود را به‌عنوان نوادگان ابراهیم به رسمیت می‌شناسند. حتی پیش از ظهور اسلام، منابع یهودی‌ای وجود دارند که به نسب عرب‌ها اشاره کرده‌اند. برای نمونه، تاریخ‌نگار یهودی، یوسف فلاویوس (۳۷-۱۰۰ میلادی)، عرب‌ها را نوادگان اسماعیل، پسر ابراهیم، می‌داند؛ و به گفته او، این موضوع سنت ختنه در میان عرب‌ها را توضیح می‌دهد.⁵⁵ در دوران بعد، خاخام حَنَنْئیل بن حُشیئل (۹۸۰-۱۰۵۵ میلادی) در تفسیر خود بر کتاب پیدایش، فصل ۱۷ آیه ۲۰، نوشت که فتوحات عرب‌ها در قرن هفتم میلادی

⁵² قرآن، ۴: ۱۲۵ و اشعیا، ۴۱: ۸.

⁵³ قرآن، ۲: ۱۲۴.

⁵⁴ قرآن، ۲: ۱۳۰.

⁵⁵ یوسف فلاویوس، عتیقیات یهودیان، کتاب اول، بند ۲۱۴.

در خاورمیانه، تحقق وعده الهی به اسماعیل، پسر ابراهیم، بوده است و این امر باید دلیلی برای یهودیان باشد که ایمان خود را به رستگاری وعده داده شده که در کتاب مقدس نیز پیش بینی شده بود، از دست ندهند.⁵⁶

5. آموزه‌های دینی مشترک

در بحث پیشین درباره‌ی هفت فرمان نوح، اشاره شد که یک دین کامل فراتر از این قوانین ابتدایی می‌رود و دو نوع ارتباط اساسی را شکل می‌دهد: ارتباط عمودی با خداوند و ارتباط افقی با دیگر انسان‌ها. ارکان پنج‌گانه‌ی اسلام هر دوی این ابعاد را در بر می‌گیرند. در بُعد ارتباط عمودی با خدا، ارکانی چون شهادتین (گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری محمد)، نمازهای پنج‌گانه، روزه‌ی ماه رمضان و حج، همگی بیانگر تعهد و بندگی مستقیم نسبت به خداوند هستند. در بُعد ارتباط افقی با دیگر انسان‌ها، از جمله، زکات (صدقه واجب) به‌عنوان یکی از ارکان اسلام، نماد مسؤلیت اجتماعی، عدالت اقتصادی و همبستگی با نیازمندان است. بدین ترتیب، اسلام به‌عنوان یک دین کامل، هم رابطه‌ی انسان با خدا و هم رابطه‌ی انسان با جامعه را سامان می‌دهد

بررسی تطبیقی میان ارکان پنج‌گانه اسلام و همتایان یهودی آن‌ها، خود موضوعی مهم و جذاب برای مطالعه‌ی مستقل است؛⁵⁷ اما در این جا، تنها به چند نکته‌ی اساسی بسنده می‌کنم

- بخش نخست شهادتین (شهادت به یگانگی خداوند) با دعای "شِماع" در یهودیت قابل مقایسه است؛ هر دو بر ایمان به خدا و یگانگی او تأکید دارند. به گفته‌ی راشی، که پیش‌تر به آن اشاره شد، این تأیید بر یکتایی خدا تنها زمانی به‌طور کامل محقق می‌شود که دعوت به توحید به‌صورت مشترک و همگانی با مشارکت تمام بشریت صورت گیرد.
- در سنت اسلامی، رکن نماز در جریان سفر شبانه پیامبر (معراج) به او داده شد. در روایت آمده در حدیث،⁵⁸ پیامبر اسلام در این سفر با پیامبران مختلف دیدار می‌کند، از جمله با موسی (ع)، که با او درباره‌ی فرمان نماز گفت‌وگو می‌نماید. گفت‌وگوی آن‌ها سرشار از احترام متقابل است؛

⁵⁶ هم‌چنین، نگاه: قرآن، سوره اسراء (۱۰۴:۱۷) و پس از آن به بنی‌اسرائیل گفتیم: در این سرزمین سکونت گزینید، و چون وعده آخرت فرارسد، شما را در حالی که گروه‌هایی پراکنده و آمیخته هستید، بازخواهیم آورد.

⁵⁷ برای آشنایی بیشتر، به سری پادکستی که با شیخ غسان منصوره درباره‌ی ارکان پنج‌گانه‌ی اسلام و همتایان یهودی آن‌ها انجام داده‌ام گوش دهید: <http://tiny.cc/zqbpzz>

⁵⁸ بخاری ۳۲۰۷.

موسی در این گفت‌وگو به پیروان هر یک اشاره می‌کند و پیروان خود را "بنی اسرائیل" می‌نامد. این تعامل نشان‌دهنده‌ی پیوستگی تاریخی و دینی میان ادیان توحیدی و احترام متقابل میان پیامبران الهی است.

- رکن صدقه در کتاب مقدس به عنوان جوهره‌ی راه ابراهیم مطرح شده است، در عبارتی که می‌گوید: "صداقه و عدالت" (tzedakah ve-mishpat).⁵⁹ در زبان عبری، واژه‌ی tzedakah هم به معنای بخشش به نیازمندان (صدقه) است و هم به معنای عدالت و پارسایی؛ این از نظر ریشه و معنا، شباهت زبانی نزدیکی با واژه‌ی عربی صَدَقَهُ (sadaqa)⁶⁰ دارد. یکی از سوره‌های مورد علاقه‌ی من در قرآن، دین را رسیدگی به نیازهای دیگران تعریف می‌کند:

آیا دیدی آن کس را که دین را انکار می‌کند؟ او همان کسی است که یتیم را می‌راند،
و دیگران را به خوراک دادن به نیازمندان برنمی‌انگیزد. پس وای بر نماز گزارانی که از
نماز خود غافل اند، آنان که ریا می‌کنند، و از کمک‌های کوچک (و نیکی‌های ساده)
دریغ می‌ورزند.⁶¹

این مطلب شبیه بخشی از است که محبت به دیگری همچون محبت به خود را اصل محوری تورات می‌داند.⁶²

روزه‌ی رمضان و یوم کبیر هر دو فرصت‌هایی برای بخشش، نیایش و بازگشت به سوی خداوند به شمار می‌روند.⁶³

- زیارت حج به مکه شباهت‌های بسیاری با زیارت به اورشلیم دارد.⁶⁴ به طور مشابه، پیامبر اشعیا اورشلیم را به‌عنوان مرکز معنوی برای تمام بشریت می‌دید،⁶⁵ اما در عین حال، مراکز معنوی دیگری را نیز برای ملت‌های دیگر تصور می‌کرد: "در آن روز، قربانگاهی برای خداوند در میانه‌ی سرزمین مصر خواهد بود، و ستونی برای خداوند بر مرز آن."⁶⁶

⁵⁹ پیدایش ۱۸: ۱۹.

⁶⁰ بررسی پیوند زبان‌شناختی میان واژگان عبری "tzedakah" و عربی "sadaqa"، می‌توانید به صفحه‌ی زیر در ویکی‌پدیا مراجعه کنید: <https://en.wikipedia.org/wiki/Sadaqa>

⁶¹ سوره ۱۰۷.

⁶² نگاه یادداشت شماره ۲۰.

⁶³ در دعای رایج ماه رمضان، "رمضان کریم" واژه‌ی عربی "کریم" به معنای سخاوت است، و در واقع در قرآن (سوره بقره: ۱۸۴) نیز آمده است که اگر کسی نتواند روزه بگیرد، می‌تواند با دادن صدقه کفاره‌ی آن را بپردازد.

⁶⁴ نگاه: پروفیسور عبدالله گلاذاری، معانی معنوی مناسک حج.

⁶⁵ اشعیا ۵۶.

⁶⁶ اشعیا ۱۹: ۱۹.

6. دیدگاهی یهودی درباره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

من نگرشی یهودی نسبت به اسلام ارایه کرده‌ام که باور مسلمانان به خداوند و یکتایی او را ارزشمند می‌داند و آن را راهی برای دستیابی به رستگاری الهی تلقی می‌کند. این مسیر، به واسطه پیامبر اسلام و تعالیم او، برای بیش از یک میلیارد انسان در جهان گشوده شده است؛ واقعیتی که می‌تواند زمینه‌ساز احترام و قدردانی یهودیان نسبت به ایشان باشد

از منظر یهودیت، پذیرش پیام محمد به‌عنوان راهی برای رسیدن به خداوند، اهمیت بیشتری دارد تا پرداختن به این پرسش که آیا او پیامبر بوده است یا نه. اصولاً یهودیت برای حقایق دینی‌ای که از طریق تفکر و تعمق حاصل می‌شوند، ارزش ویژه‌ای قایل است. همچنین، شیوه‌هایی از عبادت و بندگی که از سوی انسان با نیت خالص آغاز می‌گردند، نزد خداوند پسندیده شمرده می‌شوند. برای نمونه، یهودیت⁶⁷ - همان‌گونه که در قرآن⁶⁸ نیز آمده است - ابراهیم را به سبب تأمل در هستی و رسیدن به ایمان در پرتو آن، مورد تحسین قرار می‌دهد.⁶⁹

این بدان معنا نیست که یهودیت امکان الهام الهی و نبوت در اسلام و برای محمد را انکار می‌کند. در حقیقت، در طول تاریخ، دیدگاه‌های متنوعی در میان اندیشمندان یهودی درباره نقش خداوند در شکل‌گیری و گسترش اسلام وجود داشته‌است. وجود این طیف دیدگاه‌ها و نبود یک موضع‌گیری قطعی، دو دلیل اساسی دارد: نخست، همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، کتاب مقدس عبری و پیش از اسلام و محمد پدید آمده‌اند و از این‌رو استنباط یک دیدگاه مشخص و قطعی درباره اسلام از آن‌ها دشوار است. دوم، یهودیت فاقد معیارهایی برای صدور حکم‌های مطلق درباره رابطه خدا

⁶⁷ میدراش برشیت ربا ۳۹؛ میمونیدس، میشنه توره، قوانین بت‌پرستی ۱:۱-۳. نگاه: میشنه توره، قوانین شمیئا ۱۳:۱۳؛

هر کسی از مردم جهان که روح او با سخاوت برانگیخته شود و با خرد خود درک کند که خود را کنار بکشد و در برابر خدا بایستد تا او را خدمت و پرستش کند و به شناخت خدا برسد، و در راه عدالت گام بردارد چنان‌که خدا او را چنین آفریده، و یوغ محاسبات و دغدغه‌های فراوانی را که مردم پی می‌گیرند از گردن خود بردارد، او تقدیس می‌شود همچون مقدس‌ترین‌ها. خداوند سهم و میراث او تا ابد خواهد بود و در این جهان، آن‌چه برای او کافی است، فراهم خواهد کرد.

برای نمونه‌ای دیگر از اقتدار و ارزش دینی که وابسته به وحی نیست، بنگرید به گفته‌ی مشهور در تلمود: "حکیم برتر از پیامبر است" (تلمود، بابا باترا ۱۲ا)

خاخام آبره‌ام اسحاق کوک (در کتاب Orot، صفحه ۱۲۰) اشاره کرده است که پیامبرانی بوده‌اند که دعوت‌شان به توبه از سوی مردم نادیده گرفته شد؛ در حالی که حکیمانی بودند که با آموزش‌های خود توانستند دگرگونی‌هایی در جامعه پدید آورند.
⁶⁸ قرآن ع: ۷۵-۷۸.

⁶⁹ در کتاب خدا یکی خواهد بود، در فصلی با عنوان "دین‌داری به‌عنوان جست‌وجوی درونی برای خدا"، استدلال می‌کنم که باور بنیادی یهودیت به شراکت میان انسان و خدا، سبب می‌شود که ابراز انگیزه‌ی درونی انسان برای جست‌وجو و تماس با امر الهی، دارای ارزش دانسته شود؛ بدین معنا که نمودهای دینی از درون انسان و از پایین می‌رویند، نه این‌که صرفاً از بالا و به‌صورت وحی نازل شوند

با دیگر ملت‌هاست. تواضع ایجاب می‌کند که ما از ادعای موضع‌گیری قاطع درباره پیوند خداوند با پیروان دیگر ادیان خودداری کنیم. در عوض، آن‌چه از ما ساخته است، ارزیابی محتوای دیگر ادیان و به رسمیت شناختن و گرامی‌داشتن حقایق، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک میان ما و ایشان است. در بخش بعدی، چند برداشت یهودی از نقش اسلام در روایت جهانی‌ای که از سوی خدا ترسیم شده است، ارائه خواهیم کرد.

برداشت‌های یهودی از نقش الهی در اسلام

یکی از روی‌کردها آن است که ظهور اسلام را تحت هدایت عنایت الهی ببینیم؛ به‌عنوان بخشی از روند گسترش حقیقت تورات در جهان. مایمونیدس (رامبام)، که همان‌طور که دیدیم اسلام را ستوده است،⁷⁰ این روی‌کرد را در پایان کتاب می‌شنه تورا اتخاذ می‌کند.⁷¹ او به رشد مسیحیت و اسلام به‌عنوان بخشی از روندی هدایت‌شده از سوی خدا—“اندیشه‌های آفریننده‌ی جهان”— اشاره می‌کند؛ روندی که هدف آن نزدیک‌تر ساختن تمام بشریت به دوران مسیحایی است، زمانی که همه‌ی انسان‌ها با هم خدا را پرستش خواهند کرد.⁷²

خاخام یعقوب امدن (۱۶۹۸-۱۷۷۶)، در پیروی از دیدگاه مایمونیدس، دست خدا را در گسترش مسیحیت و اسلام می‌دید. او می‌نویسد: “دو قومی که خداوند برگزید تا ملت‌های بسیاری را به تسلیم درآورند، تا آنان را زیر یوغ باورها و اصولی قرار دهند که برای سامان‌دهی جهان و بهبود اجتماع ملت‌ها ضروری‌اند...”⁷³ خاخام امدن، گفته‌ای از مشنا را چنین تفسیر می‌کند: “هر انجمنی که برای خاطر آسمان باشد، در نهایت پایدار خواهد ماند”⁷⁴ و این را در مورد مسیحیت و اسلام به کار می‌برد. از دیدگاه او، اسلام و مسیحیت هر دو بر دارنده‌ی حقیقت‌اند و برای ملت‌های جهان مناسب و شایسته‌اند.

⁷⁰ تَشوَووت هارامبام، شماره ۴۴۸.

⁷¹ می‌شنه تورا، قوانین پادشاهان، فصل ۱۱، بند ۹.

⁷² با وجود آن‌که مایمونید (رامبام) نقش تاریخی مثبت و هدایت‌شده الهی برای این ادیان قائل بود، او خود نسبت به این ادیان انتقاداتی داشت. در ادامه، به دیدگاه او درباره اسلام خواهیم پرداخت و استدلال خواهیم کرد که این انتقادات عمدتاً ناشی از واقعیت‌های دردناک آزار و شکنجه یهودیان به نام اسلام در دوران او بوده است.

⁷³ امدن، “لحم شمایم بر آوت” ۴:۱۱.

⁷⁴ آوت ۴: ۱۱.

روی کردی فراگیرتر از آن حکمایی است که اسلام، و به‌ویژه قرآن را نه تنها نتیجه‌ی عنایت الهی، بلکه حاصل وحی الهی نیز می دانستند. خاخام نتان‌آل فیومی (۱۰۹۰-۱۱۶۵)، نگید (رهبر جامعه) و رییس خاخام‌های یمن در نسلی پیش از مایمونیدس بود.⁷⁵ او در فصل ششم از کتاب خود با عنوان باغ خردها، روی کردی نظام‌مند نسبت به ادیان ملت‌های جهان ارایه می‌دهد

بدان ای برادر، که هیچ بعید نیست که خداوند هر که را بخواهد، هر زمان که بخواهد، به سوی جهانیان بفرستد... و او—جَلَّ جَلَّالَهُ—پیش از عطای تورات نیز پیامبرانی به میان ملتها فرستاد... و هیچ بعید نیست که پس از عطای تورات نیز هر که را بخواهد بفرستد، تا جهان بی‌ایمان نماند.

این سخنان آموزنده اند. نخست، آن‌ها به‌روشنی بر اهمیت ادیان در میان ملتها به‌عنوان بخشی از هدف الهی تأکید می‌کنند؛ یعنی این‌که "جهان بدون ایمان باقی نماند." افزون بر این، از دیدگاه یهودیت نه تنها ادیان دیگر جای گاهی دارند، بلکه ممکن است منشأ آن‌ها پیامبری باشد که از سوی خدا به ملتها فرستاده شده است. بنا بر نظر فیومی، هر ملت موظف است پیامبری را که برای او فرستاده شده بپذیرد. پذیرش این پیامبری‌ها موجب خواهد شد که همه‌ی انسان‌ها—هر کدام به شیوه‌ی خود—خدا را پرستش کنند

اور فیومی به این‌که هدفی الهی برای رساندن ملتها به پرستش خدا وجود دارد، در کنار ایمان او به برخی پیامبری‌های خاص در میان ملتها، او را به این نتیجه رساند که ادیانی غیر از یهودیت نه تنها مشروع‌اند، بلکه تجلی وحی الهی نیز هستند. از این‌رو، فیومی قرآن را با جدیت بسیار تلقی می‌کرد و معتقد بود که قرآن برای مسلمانان الزام‌آور است. او واژگان قرآن را با دقت تحلیل می‌کرد، تا آنجا که در فصل دوم کتاب خود، در عبارت "شهادتین" (اعلام ایمان اسلامی)، معانی عرفانی یافت.⁷⁶

⁷⁵ در نامه‌ی معروف ابن میمون (موسی بن میمون) به یهودیان یمن، که خطاب به پسر فیومی نوشته شده است، او از فیومی با عنوان "استاد و رتی ما" یاد می‌کند. به گفته‌ی رتی کپاه (Rabbi Yosef Kapah)، کتاب باغ خردها (Garden of the Intellects) نوشته‌ی نتانیل فیومی تأثیر مهمی بر نگارش راهنمای سرگشتگان (Guide for the Perplexed) ابن میمون داشته است

⁷⁶ او به نمادگرایی معنوی در شهادتین اشاره می‌کند. در زبان عربی، عبارت "لا إله إلا الله" از ۴ واژه، ۷ هجا و ۱۲ حرف تشکیل شده است. این اعداد—۷، ۴، ۱۲—در فلسفه‌ی فیومی (در کتاب باغ خردمندان، فصل دوم، صفحات ۴۳-۴۴) دارای اهمیت کیهانی و معنای عرفانی هستند

بخش قابل توجهی از فصل ششم کتاب فِیومی به تحلیل و تفسیر قرآن اختصاص دارد. او از این تحلیل چنین نتیجه می‌گیرد که قرآن تورات را نسخ نکرده، بلکه برعکس — قرآن بر تعهد و الزام قوم یهود به پایبندی به تورات تأکید می‌کند. هم‌زمان، فِیومی بر این باور است که قرآن تعلیم می‌دهد که وحی‌های دیگری نیز به دیگر اقوام داده شده‌اند که آنان را موظف می‌سازند تا به نظام دینی ویژه‌ی خود پایبند باشند.⁷⁷

ما می‌توانیم ایده‌هایی مشابه با دیدگاه فایومی را در اندیشه‌ی خاخام آبرهام اسحاق کوک نیز بیابیم. او نیز این احتمال را مطرح می‌کند که پیامبری، بنیان ادیان دیگر باشد. خاخام کوک در کتاب خود با عنوان برای سرگشتگان این نسل می‌نویسد

به طور کلی، جوهر ایمان هیچ‌گونه مخالفتی با دیگر ادیان دربر ندارد. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، ممکن است وفور دانش و پیامبری یا روح الهی یا دیگر یاری‌های الهی، بسته به شرایط و شایستگی هر ملت، از طریق نیکان و درست‌کارانشان، بر آنان تأثیر گذارد.⁷⁸

راو کوک مجموعه‌ای گسترده از امکان‌ها را مطرح می‌کند؛ از "وفور دانش و پیامبری" گرفته تا "دیگر یاری‌های الهی" که در بنیاد ادیان ملت‌های جهان قرار دارند

همبستگی در عین تفاوت دیدگاه‌ها

من نشان داده‌ام که پایه‌ای استوار برای برادری دینی اصیل و معنادار میان یهودیان و مسلمانان وجود دارد. این برادری نیازی ندارد که در همه چیز با یک‌دیگر توافق داشته باشیم. می‌شنای باستانی می‌آموزد که "هر جدلی که به‌خاطر نام آسمان باشد، سرانجام پایدار خواهد ماند."⁷⁹ اگر اختلاف نظرها با انگیزه‌های الهی صورت گیرند، نتایج آن‌ها نیز سازنده و مثبت خواهد بود

به‌همین‌گونه، در سوره‌ی مائده، قرآن مشروعیت تورات را برای یهودیان تأیید می‌کند و سپس به ارزش وجود دیگر ادیان می‌پردازد

⁷⁷ همان‌طور که در ادامه، در بررسی مفصل‌مان از قرآن در این تک‌نگارسته خواهیم دید.

⁷⁸ زبی اوراهم کوک، برای سردرگمان این نسل، فصل ۵۲.

⁷⁹ می‌شنا آووت ۵: ۱۷.

۴۴ - بی‌گمان، ما تورات را فرو فرستادیم، که در آن هدایت و نوری است. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند، بر اساس آن برای یهودیان داوری می‌کردند، همان‌گونه که علما و ربیان [نیز داوری می‌کردند]، به سبب آن چه از کتاب خدا به آنان سپرده شده بود تا نگاه دارند، و بر آن گواه بودند.

۴۸ - ... برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی مقرر داشتیم، و اگر خدا می‌خواست، همه شما را یک امت قرار می‌داد، ولی [نخواست و] شما را در آن چه به شما داده بیازماید. پس در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همگی شما به سوی خداست، و آن‌گاه شما را از آن چه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

قرآن از ما می‌خواهد که در انجام اعمال نیک بر یکدیگر سبقت بگیریم، تا زمانی در آینده که خداوند تفاوت‌های ما را بر ایمان روشن سازد - تفاوت‌هایی که به باور من اشاره به مباحثات الهیاتی ما دارند، همان‌گونه که در تفسیر پژوهش قرآن (The Study Quran) نیز به صراحت بیان شده است

دستور بعدی یعنی "در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید" ... بر پایه کنار زدن وجایگزینی دین‌ها با یکدیگر استوار نیست، بلکه بر هم زیستی هم‌زمان جوامع دینی مختلفی تأکید دارد که در فضیلت با یکدیگر رقابت می‌کنند. این رقابت در عرصه اعمال نیکوست و بنابراین در سطح عملی صورت می‌گیرد، نه در سطح الهیاتی. حل‌وفصل اختلافات الهیاتی عمیق و دشوار میان ادیان، شاید وظیفه پیروان دین‌ها در این جهان نباشد؛ بلکه این امور، مسایلی هستند که تنها در آخرت و توسط خداوند حل خواهند شد، آن‌گاه که او ما را از آن چه در آن اختلاف داشته‌ایم آگاه خواهد ساخت.⁸⁰

من عمیقاً باور دارم که نقاط اختلاف و مباحثه‌ی ما نباید مانعی برای تحقق اراده‌ی الهی و رسیدن به ظرفیت برادری موجود در داستان مشترک مان باشد

⁸⁰ قرآن پژوهشی، صفحه ۳۰۱.

مواجهه با چالش‌های موجود در روابط

در طول تاریخ روابط میان یهودیان و مسلمانان، دوره‌هایی از همزیستی سازنده، همکاری فرهنگی و شکوفایی مشترک وجود داشته است؛ که از آن میان می‌توان به "عصر طلایی روابط یهودی-اسلامی" اشاره کرد. با این حال، در برهه‌هایی نیز، به نام اسلام و پیامبر آن، یهودیان با آزار و اذیت‌های شدید مذهبی روبرو شدند؛ از جمله کشتار، اجبار به گرویدن به دین دیگر و تحقیرهای نظام‌مند. برای نمونه، در دهه ۱۱۴۰ میلادی در اندلس، موسی بن میمون (ابن میمون) و خانواده‌اش ناگزیر شدند از خلافت موحدون بگریزند؛ حکومتی که بسیاری از جوامع دیرینه‌ی یهودی را نابود کرد و آن‌ها را بین پذیرش اسلام یا مرگ مخیر ساخت.⁸¹ ابن میمون، به‌عنوان یکی از رهبران برجسته یهودی، ناچار بود در نامه‌های خود به پرسش‌های سرنوشت‌ساز جوامع یهودی از غرب اندلس تا شرق یمن پاسخ دهد—سؤالاتی دشوار درباره این‌که آیا باید جان خود را در راه ایمان قربانی کنند یا به اجبار تغییر دین دهند

این آزارها، به ویژه تغییر دین اجباری، با بسیاری از منابع اسلامی در تضاد هستند؛ برای مثال، سوره بقره، آیه ۲۵۶: "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ" (در دین هیچ اجباری نیست). با این حال، قابل درک است که ابن میمون برخی از سخنان خود را در ابراز درد و رنج ناشی از آزارها و تحقیرهایی که یهودیان به نام اسلام متحمل شدند، به صورت نقدی بر اسلام بیان کرده باشد.⁸²

احساس برانگیز است که—چنان‌که در بالا دیدیم—این آزارها مانع از آن نشد که ابن میمون، ایمان اسلامی را به‌عنوان باوری پاک و بی‌عیب به یگانگی خدا به رسمیت بشناسد و آن را بستاید؛ یا این‌که دست خدا را در گسترش اسلام در سراسر جهان ببیند

⁸¹ به منابع زیر مراجعه کنید: دبوید واسرشتاین، "تسب‌نامه فکری سیاست الموحدون در قبال مسیحیان و یهودیان" و آلن ورسکین، "تگرش‌های یهودیان قرون وسطی به آزارهای الموحدون: حافظه، سرکوب و پیامدها"، هر دو در کتاب تغییر دین اجباری در مسیحیت، یهودیت و اسلام، به سردبیری مرسدس گارسیا-ارنال و یوناتان گلیر-ایتن، انتشارات بریل، ۲۰۲۰.
⁸² برای نمونه، بنگرید به "رساله یمن" (Epistle to Yemen) اثر موسی بن میمون (ابن میمون).

خویشاوندی ما: ریشه‌ای برای همدلی و گاه، چالش

در حالی که هر یک از ادیان ما به نسب مشترک برای تمام بشریت باور دارد، این پیوند خانوادگی برای یهودیان و مسلمانان صمیمی‌تر و نزدیک‌تر است، چرا که ابراهیم، پدر مشترک ماست، واسحاق و اسماعیل، برادرانی هستند که هر یک از ما نسب خود را به یکی از آن‌ها می‌رسانیم. پیوند خانوادگی امکان بی‌تفاوتی را از میان برمی‌دارد—این می‌تواند نعمتی دوگانه باشد؛ هم زمینه‌ای برای رقابت برادری فراهم می‌کند و هم ظرفیتی برای برادری و محبت. مسؤولیت ما در برابر خدا، در برابر پدرمان ابراهیم، و در برابر یک‌دیگر، این است که راه محبت را برگزینیم و آن را گسترش دهیم هم سنت‌های یهودی و هم سنت‌های اسلامی، داستان ایمان و فداکاری بزرگ ابراهیم را در آمادگی او برای قربانی کردن پسرش در برابر اراده خداوند روایت می‌کنند. یهودیان این واقعه را در روز روش‌هشانا (Rosh Hashana) گرامی می‌دارند، در حالی که مسلمانان آن را در عید قربان (عید الأضحی) بزرگ می‌دارند

تفاوت‌های میان این دو سنت می‌تواند زمینه‌ای برای نزدیکی و گفت‌وگو باشد و شایسته است که با دقت بررسی شود. در روایت تورات، فرزند در آستانه قربانی شدن، اسحاق است؛ در حالی که در اغلب روایت‌های اسلامی، این پسر اسماعیل معرفی می‌شود. یکی از دوستان صمیمی‌ام، شیخی مسلمان از شهر ناصره، زمانی که از او درباره هویت این پسر در داستان قربانی پرسیده شد، چنین پاسخ داد: "اگر اسماعیل باشد، پدر من است؛ اگر اسحاق باشد، عموی من است. در هر صورت، او از خانواده من است و ما موظفیم خانواده خود را دوست بداریم و از آن درس بگیریم."

پدر همسر، اورئیل سیمون، استاد کتاب مقدس، تأکید می‌کند که با یک خوانش دقیق از تورات، می‌توان در هر دو سنت حقیقتی را یافت.⁸³ در همان بخشی که به "قربانی شدن اسحاق" اشاره دارد، تورات داستانی دیگر را نیز روایت می‌کند: هجرت هاجر با اسماعیل به بیابان. در آن داستان نیز، خطر مرگ وجود دارد، چرا که هاجر باور دارد اسماعیل از تشنگی خواهد مرد. در هر دو داستان، در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، فرشته‌ای از سوی خدا ظاهر می‌شود تا بگوید که پسر نجات یافته و برکت خواهد یافت.⁸⁴ به عبارت دیگر، تورات تعلیم می‌دهد که هر دو پسر، اسحاق و اسماعیل، مورد برکت قرار گرفته‌اند

⁸³ در پی صلح پاش و آن را دنبال کن [عبری] (تل‌آویو: انتشارات پدیدوت، ۲۰۰۲)، صص ۵۶-۵۹.

⁸⁴ سفر پیدایش، باب ۲۱.

پیام این است که یهودیان و مسلمانان باید تمام فرزندان ابراهیم را در آغوش بگیرند. در واقع، در هر یک از پنج نماز روزانه در اسلام، دعایی وجود دارد که به برکت داده‌شده به ابراهیم و نسل او اشاره می‌کند (صلوات ابراهیمی). افزون بر این، در قرآن، داستان قربانی با برکتی برای اسحاق به پایان می‌رسد: "و او را مژده دادیم به اسحاق، پیامبری از شایستگان. و او و اسحاق را برکت دادیم."⁸⁵

پروفسور سایمون اشاره می‌کند که در کتاب پیدایش، در جریان هر یک از سه نبرد بزرگ میان برادرانی که فرزندان ابراهیم هستند – اسحاق و اسماعیل، یعقوب و عیسو، و یوسف و برادرانش – کتاب مقدس با تصویری تأثیربرانگیز از آشتی پایان می‌یابد. در هر داستان، برادران در صلح و آرامش برای دفن پدرشان در حبرون، در غار پیشوایان، گرد هم می‌آیند. پیامی که از این روایت‌ها برمی‌آید این است که رقابت و کشمکش میان خواهر و برادر امری طبیعی است، اما در نهایت، با وجود درگیری‌هایی که در مسیر رخ می‌دهد، رابطه خانوادگی سرچشمه‌ای برای پیوند و اتحاد خواهد بود.⁸⁶

در نامه‌ای که در سال ۱۹۰۸ نوشته شده است، خاخام کوک مشکلات روابط بین‌دینی معاصر را پذیرفت، اما آرزو کرد که در آینده "محبت برادری میان عیسو و یعقوب، میان اسحاق و اسماعیل، بر همه آن مشکلات فائق آید."⁸⁷

زمان آن فرا رسیده است که احترام و دوستی متقابل از نو برقرار شود

پس از سال‌ها ارتباط با رهبران مسلمان و پژوهش شخصی‌ام در زمینه اسلام، به این نتیجه رسیده‌ام که دوره‌های آزار و اذیت دینی و قومی یهودیان – که رنج‌های فراوانی را در پی داشته‌اند – بازتابی از متون و باورهای اصیل اسلامی نیستند. این وقایع در واقع استثناهایی در تاریخ چهارده قرن روابط میان ما بوده‌اند، نه روندی همیشگی. اگر بخواهیم بر بازمانده‌های یهودستیزی موجود غلبه کنیم، باید این حقیقت را به روشنی بازگو کرده، به صورت عمومی مطرح سازیم. باور دارم که این رویکرد می‌تواند راه را به سوی آینده‌ای هموار کند که در آن خواست الهی مبنی بر احترام و به رسمیت‌شناختن متقابل تحقق یابد و هر یک از ادیان ما نقشی در آن ایفا کنند

⁸⁵ قرآن، سوره صافات (۳۷)، آیات ۱۱۲-۱۱۳.

⁸⁶ سایمون در کتاب *Be Become Bless: Jewish Spirituality between East and West*، صفحه ۸۱ نقل شده است. این‌که روابط بین خواهر و برادر فراتر از روابط درون یهودی است، در کتاب مقدس نیز دیده می‌شود. برای مثال، در تثنیه ۲۳:۸ آمده است: "تمی باید از ادویمی نفرت داشته باشی، زیرا او برادرت است."

⁸⁷ ایگروت ه'رایاه، ۱: ۱۱۲.

بخش دوم

دیدگاه‌های اسلامی درباره یهودیان و یهودیت

مقدمه

بخش اول، دیدگاهی یهودی درباره اسلام را ارائه می‌داد که ایمان آن به خدا را تأیید می‌کرد، آن را یکی از راه‌های نجات الهی می‌دانست و به اشتراک داستان و میراث آن با قوم یهود و آیین یهودیت اذعان داشت. اکنون به بخش دوم می‌پردازم که به بررسی رویکرد اسلام نسبت به یهودیت اختصاص دارد

من عمیقاً بر این باورم که برای تحقق ظرفیت‌ها و برکات برادری دینی میان یهودیان و مسلمانان، احترام و پذیرش مشروعیت باید دوطرفه باشد. به همین دلیل، ما به هر دو بخش نیاز داریم: بخش اول، الهیاتی یهودی درباره اسلام، و بخش دوم، الهیاتی اسلامی درباره یهودیت

چنان‌که خاخام یهودا اشکنازی می‌نویسد:

می‌توان بی‌پایان درباره اخلاق، ارزش‌ها و فضیلت‌ها سخن گفت، اما در نهایت خواستِ خالق از من بسیار ساده‌تر است: این‌که چگونه می‌توانم به دیگران اجازه دهم در دنیای من زندگی کنند، و چگونه آن‌ها نیز به من اجازه دهند در دنیای‌شان زندگی کنم؟ بدون رابطه‌ای متقابل، هیچ راه‌حلی برای این مسأله اخلاقی، برای معادله برادری، وجود ندارد.⁸⁸

اجازه دادن به دیگران برای زندگی در دنیای ما و پذیرفتن این‌که ما نیز در دنیای آن‌ها زندگی کنیم، باید شامل جای‌گاهی برای دین باشد، چرا که دین بخشی از هویت اساسی ماست

⁸⁸ سِرّ میدراش التولدوت، جلد ۳، صفحه ۱۵۱.

نقش یهودیان در شکل‌دهی الهیات اسلامی درباره یهودیت

قطعاً الهیات اسلامی درباره یهودیت باید در درجه اول از سوی مراجع دینی مسلمانان ارایه شود. در واقع، بخش زیادی از آنچه اکنون ارایه می‌دهم، حاصل سال‌ها مطالعه و دیدار با رهبران دینی مسلمان در سراسر جهان است. امیدوارم که کار من این موضوع را برجسته سازد و بسیاری از این رهبران را به تدوین و انتشار آموزه‌هایی درباره این مسأله ترغیب کند

در بخش اول، نشان دادم که چرا سهم یهودیان در بحث درباره مفهوم یهودیت در اسلام هم معتبر و هم مفید است. خود قرآن نیز قوم یهود را به‌عنوان شاهدانی بر خدا و وحی‌های او می‌بیند و بخش عمده‌ای از قرآن حول داستان‌های قوم یهود و پیامبرانشان شکل گرفته است

علاوه بر این، منطقی است که هرگاه متکلمان یک دین بخواهند الهیات دینی دیگر را تبیین کنند، صدای پیروان آن دین را نیز در نظر بگیرند. بسیاری از یهودستیزی‌ها و اسلام‌هراسی‌ها ناشی از فرض‌های نادرست درباره دیگری و باورهای او هستند؛ این فرضیات غلط می‌تواند به الهیات معیوب منجر شود. در این زمینه، به یاد آوردن آیه مشهور قرآن حکیمانه است: "وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا" (قرآن ۴۹:۱۳).^{۸۹} بی‌شک، فهم و درک شخصی من از اسلام و شکل‌دهی الهیات یهودی درباره اسلام، از طریق ملاقات‌ها و گفت‌وگوها با مسلمانان بسیار سود برده است

^{۸۹} قرآن، ۴۹، آیه ۱۳.

سه مساله‌ی بنیادی

برای پایه‌ریزی برادری دینی دوجانبه میان یهودیان و مسلمانان، لازم است با سه مساله‌ی اساسی روبرو شویم

اول: جایگاه یهودیت

در بسیاری از آیات، قرآن به منشا الهی و مشروعیت ادیان ابراهیمی پیشین و راه بودن آن‌ها به سوی رستگاری تصدیق می‌کند. با این وجود، برخی مسلمانان معتقدند که این آیات "نسخ" شده‌اند، یعنی اعتبارشان لغو شده و دیگر قابل اجرا نیستند. این به معنای آن است که یهودیت به طور کامل جای خود را به اسلام داده و دیگر دین مشروعی محسوب نمی‌شود. اما گروهی دیگر از مسلمانان این تفسیر نسخ را قبول ندارند، چرا که آیات تأییدکننده ادیان ابراهیمی از جمله آخرین آیات قرآن هستند و لذا دشوار است که ادعا شود آیات بعدی آموزه‌های آن‌ها را باطل کرده باشند. همچنین، همان‌طور که یکی از رهبران دینی مسلمانان جهان به من نوشته است، "مفهوم نسخ در آیات... که اصول ایمان را بیان می‌کنند و جوهر دین هستند، قابل اعمال نیست". این نگرش نسبت به نسخ برای ایجاد احترام متقابل میان اسلام و یهودیت ضروری است. جایی برای برادری نیست وقتی یک طرف دیگری را رد کند

دوم: اعتبار تورات

قرآن بارها به منشأ الهی تورات (کتاب مقدس) تصدیق می‌کند و در احادیث نیز به احترامی که پیامبر محمد (ﷺ) نسبت به تورات قایل بوده اشاره شده است. با این حال، برخی مسلمانان با تکیه بر تفسیری خاص از مفهومی به نام "تحریف"، ادعا کرده‌اند که توراتی که امروزه یهودیان به آن احترام می‌گذارند، تحریف‌شده و اصل آن نیست. این تفسیر توسط بسیاری از علمای دینی معاصر مسلمان رد شده است

سوم: دیدگاه قرآن درباره قوم یهود

علاوه بر بیان‌های مثبت فراوان درباره قوم یهود، در قرآن و حدیث نیز آیات و روایاتی وجود دارد که یهودیان را مورد انتقاد قرار می‌دهند. برداشت کلی و منفی از این نقدها به‌عنوان حکم‌های مطلق درباره ذات یهودیان، نوعی یهودستیزی محسوب می‌شود. بلکه باید نشان داده شود که این انتقادات در یک زمینه خاص مطرح شده و به موقعیت یا شرایط مشخصی تعلق دارند؛ این نکته را می‌توان از خود قرآن نیز به دست آورد

این مسایل نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری رابطه میان اسلام و یهودیت دارند — آیا این رابطه بر پایه اتصال خواهد بود یا تعارض؟ خطرات حالت دوم به‌روشنی در پیام اصلی کتاب "نه به نام خدا: نوشته ربای جانانان ساکس بیان شده‌است. ساکس به پدیده‌ی تلخ اعمال خشونت و رفتارهای ظالمانه علیه دیگران می‌پردازد که با ادعای انجام کارها به نام خدا توجیه می‌شوند. ربای ساکس ذهنیتی را شرح می‌دهد که آن را "دوگانگی آسیب‌شناختی" می‌نامد؛ ذهنیتی که جهان را به دو دسته مطلق خوب و بد، نور و تاریکی، کسانی که مورد لطف خدا هستند و کسانی که از سوی خدا طرد شده‌اند تقسیم می‌کند. این دوگانگی زمینه ساز خشونت شدید علیه افرادی می‌شود که هویت شان نماد شر و تاریکی است و از این‌رو، از سوی خدا مردود شناخته می‌شوند

روی‌کرد ردکننده نسبت به سه مسأله فوق، به بستر رشد نفرت، خشونت و ترور به نام خدا تبدیل شده است

یک نمونه قابل توجه از روابط میان مسیحیان و یهودیان نشان می‌دهد چگونه پذیرفتن این واقعیت تلخ می‌تواند زمینه‌ساز تغییر گردد. ژول ایزاک، مورخ یهودی-فرانسوی که همسر و دخترش در هولوکاست کشته شدند، در کتاب خود "عیسی و اسرائیل" نشان داد که چگونه برخی تفسیرهای مسیحی از عهد جدید موجب آموزش‌هایی از سر نفرت نسبت به یهودیان و یهودیت و شکل‌گیری آموزه‌هایی درباره طرد آن‌ها توسط خدا شده است. او توضیح داد چگونه این آموزه‌ها مسیر یهودستیزی مسیحی به مدت هزار سال و نهایتاً هولوکاست را هموار کردند. پاپ ژان بیست و سوم تحت تأثیر عمیق ایزاک و آثارش قرار گرفت. دیدار آن‌ها نقطه عطفی بود که منجر به صدور اعلامیه تاریخی کلیسا به نام "نوسترا آتاته" شد؛ اعلامیه‌ای که رابطه مسیحیت با یهودیان و یهودیت را بازتعریف کرد و شامل بازخوانی کتاب مقدس مسیحی و تجدیدنظر در آموزه‌های مربوط به این

موضوعات بود. خطر دین به‌عنوان منبع خشونت پیش‌تر توسط مطرح شده که کسانی را که دین را به "شراب مرگ" بدل می‌کنند به جای "شراب زندگی"⁹⁰ نقد می‌کند. شاعر انگلیسی ویلیام بلیک این خطر را در نحوه تفسیر منابع ریشه‌یابی می‌کند: "هر دو روز و شب کتاب مقدس می‌خوانند، ولی تو آن‌جا که من سفید می‌بینم، سیاه می‌بینی." اگر همان‌طور که بلیک بیان می‌کند، اختلافات دینی تنها مسأله تفاوت در نحوه تفسیر باشد، آیا این یعنی همه چیز نسبی است و متون مقدس دین پیام‌ها یا حقایق روشنی ندارند؟ قطعاً خیر! هر دینی اصول بنیادین و ارزش‌های اساسی دارد. در هر دین، قوانینی هستند که راهنما محسوب می‌شوند و مواردی نیز به‌عنوان استثنا وجود دارد که این استثناها باید فهمیده شوند و اغلب با توجه به زمینه خاص خود قابل درک‌اند

در تورات خدا با‌عنوان "الرحوم والرحمن" نامیده می‌شود و در قرآن، هر سوره به جز یکی با "الرحمن الرحیم" آغاز می‌گردد. این واژه‌های قدرتمند در زبان عبری و عربی از نظر صوت و معنا بسیار به هم نزدیکند: "خداوند مهربان و رحیم." در تفسیر متون یهودی و اسلامی، همین رحمت و مهربانی باید به‌عنوان اصل راهنما برای فهم اراده آن خدای یگانه‌ای باشد که همه ما او را دوست داشته و بزرگ می‌شماریم

راه ابراهیم

ما دیدیم که اسلام، همانند یهودیت، به جای رد کردن تمامی ادیان دیگر، نیازمند پابندی به باورها و ارزش‌های بنیادین است که در شخصیت محوری ابراهیم تجسم یافته‌اند. مسیر او اساس دین یکتا پرستی است، چنان‌که در سوره‌ی انعام آمده است: "بگو: پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده، دینی پاکیزه و آیین ابراهیم، که حنیف بود و از مشرکان نبود."⁹¹

⁹⁰ تلمود یوما ۷۲.

⁹¹ قرآن ۱۶۱:۶ نگاه: در حقیقت، پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده است—آیینی استوار، آیین ابراهیم حق‌گرای (حنیف)، و او از مشرکان نبود. هم‌چنین بنگرید به: "بی‌تردید ابراهیم خود امتی بود، فرمان‌بردار خدا، حق‌گرا (حنیف)، و از مشرکان نبود. سیاست‌گذار نعمت‌های او بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایت کرد. و در این دنیا به او نیکی دادیم، و قطعاً در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود، سپس به تو وحی کردیم که: از آیین ابراهیم، همان حنیف، پیروی کن؛ زیرا او از مشرکان نبود." قرآن ۱۶: ۱۲۰-۱۲۳.

و نیز در سوره بقره آمده است:

و چه کسی جز نادان از آیین ابراهیم روی گردان می‌شود؟ ما او را در این جهان برگزیدیم، و بی‌گمان در جهان دیگر نیز از شایستگان خواهد بود. هنگامی که پروردگارش به او فرمود: "تسلیم شو!"، پاسخ داد: "تسلیم پروردگار جهانیانم." ابراهیم این را به فرزندانش سفارش کرد، و یعقوب نیز گفت: "فرزندانم، خدا این دین را برای شما برگزیده است، پس جز در حالی که تسلیم هستید از دنیا نروید." آیا آن‌گاه که مرگ به یعقوب رسید، شما حاضر بودید؟ آن زمان که به فرزندانش گفت: "پس از من چه چیزی را خواهید پرستید؟" گفتند: "خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم، اسماعیل و اسحاق، خدای یگانه، و ما تسلیم اویم."⁹²

قرآن نسبت به هر دینی که مدعی انحصار در نسبت با ابراهیم و میراث او باشد، هشدار می‌دهد:

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم مجادله می‌کنید، در حالی که تورات و انجیل پس از او نازل شده‌اند؟ آیا نمی‌اندیشید؟ ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی، بلکه حق‌گرا (حنیف) و تسلیم‌شده در برابر خدا بود، و از مشرکان نبود. در حقیقت، شایسته‌ترین مردم نسبت به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کردند، و این پیامبر، و کسانی که ایمان آوردند....⁹³

قرآن به نکته‌ای روشن اشاره می‌کند: از آن‌جا که ابراهیم پیش از نزول کتاب‌های آسمانی و احکام خاص آن‌ها می‌زیسته، نمی‌توان او را به‌طور انحصاری به هیچ‌یک از این ادیان نسبت داد. ابراهیم "حنیف" بود، یعنی مؤمنی خالص که با تمام وجود به خدای یکتا ایمان داشت.⁹⁴ این تعریف گسترده از ایمان به خدا، تمامی ادیان ابراهیمی را دربر می‌گیرد: راه‌های تورات، انجیل و قرآن. از خلال همه این مسیرهاست که ابراهیم مأموریت الهی خود را به انجام می‌رساند؛ مأموریتی که در قرآن به عنوان "امامی برای مردم" (بقره: ۱۲۴)، در آثار میمونید به‌عنوان "ستون جهان"،⁹⁵ و در به‌عنوان "رهبر جهان" توصیف شده است.⁹⁶

⁹² قرآن ۲: ۱۳۰-۱۳۳.

⁹³ قرآن ۳: ۶۵-۶۸.

⁹⁴ نگاه به کتاب مطالعه قرآن، صفحه ۱۷۷۳.

⁹⁵ قوانین پرستش بیگانه، فصل اول.

⁹⁶ تلمود، بابا باترا، صفحات ۹۱a تا ۹۱b.

متأسفانه این پیام اساسی اغلب به سبب یک سؤ تفاهم زبانی نادیده گرفته می‌شود. اصل تسلیم در برابر خداوند، وجه مشترک تمامی راه‌های عبادی در ادیان ابراهیمی است. واژه‌ی عربی "مسلم" به معنای تسلیم‌شده، در قرآن برای توصیف ابراهیم، یعقوب و فرزندان شان به کار رفته تا نشان دهد آنان خود را به طور کامل به خدا سپرده بودند. با این حال، از آن‌جا که پیروان دین محمد (ﷺ) که مطابق با احکام قرآن زندگی می‌کنند، نیز "مسلمان" نامیده می‌شوند، این تصور نادرست شکل گرفته که ابراهیم "مسلمان" به معنای پیرو دین اسلام بوده و نه از دیگر مسیرهای ابراهیمی. همان‌طور که استاد طامر محمد متولی به خوبی بیان کرده است: "ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی و نه محمدی، زیرا این نام‌ها پس از او پدید آمدند و او پدر همه‌ی آنان است."⁹⁷

هنگامی که قرآن ابراهیم را "مسلمان" می‌نامد، مقصود آن است که او تسلیم خداوند بود، نه این که به یکی از ادیان توحیدی مشخص وابسته باشد. این تبیین برای شکل‌گیری الهیاتی اسلامی و مثبت نسبت به یهودیت حیاتی است؛ چرا که در چنین نگاهی، تقرب به خدا حتی اگر در قالبی غیر اسلامی باشد- دارای شأن و ارزشی اصیل شمرده می‌شود

جایگاه یهودیت در اسلام

خدای ما و خدای شما یکی است

این که دو دین به خداوند ایمان دارند، به تنهایی برای ایجاد همزیستی میان دینی کافی نیست. بلکه گاه همین باور به خداوند می‌تواند منشأ تعارض باشد، زمانی که یک دین، دین دیگر را پیرو خدای نادرست بداند و در نتیجه، خدای "حقیقی" را مردود بشمارد. در این چارچوب، اعلام صریح و بدون ابهام قرآن که خدای اسلام و خدای اهل کتاب یکی است، از اهمیت اساسی برخوردار است

و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای نیکوتر مجادله مکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند. و بگویید: "ما به آن چه بر ما نازل شده و به آن چه بر شما نازل شده ایمان داریم؛ خدای ما و خدای شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم."⁹⁸

⁹⁷ از "به سوی برنامه درسی پشتیبان فرهنگ صلح و اهداف توسعه پایدار (SDGs) در پرتو توافق‌نامه‌های ابراهیمی"، دبی، ۲۰۲۳.
⁹⁸ قرآن ۲۹: ۴۶.

ایس بیان بنیادین در قرآن فراتر از صرف اشتراک در ایمان به خدا می‌رود و اعلام می‌دارد که کتاب‌های مقدس دیگر نیز از سوی خداوند نازل شده‌اند. در پی این پذیرش، قرآن دعوت می‌کند که اختلافات دینی با احترام متقابل مطرح شوند. احترام متقابل به معنای نبود اختلاف نیست، بلکه چارچوب و لحن مواجهه با اختلاف را تعیین می‌کند

ایمان به خدای یگانه، در قلب هر دو عبارت بنیادی ایمان مسلمانان و یهودیان قرار دارد: شهادتین در اسلام و شِماع در یهودیت. باور به خدای مشترک ما می‌تواند و باید دگرگون‌کننده باشد.⁹⁹ اما این حقیقت نباید فقط در ذهن ما بماند، بلکه باید در دل و جان ما ریشه بدواند. باید در درون خود زندگی کنیم با این حقیقت که، با وجود اختلافات مان، "دیگری" نیز خدای ما را پرستش می‌کند و دوست می‌دارد، و در پاسخ، مورد محبت و رحمت خداوند قرار می‌گیرد و دعایش شنیده می‌شود

پیمان میان خداوند و بنی اسرائیل

قرآن به طور گسترده به پیمان مقدس میان خداوند و بنی اسرائیل اشاره دارد و تورات را کتابی الهی می‌داند که توسط خدا به موسی در کوه سینا عطا شده است.¹⁰⁰ این کتاب مقدس، از برکت ویژه‌ای که خداوند به یهودیان ارزانی داشته سخن می‌گوید و کسانی را که در وفاداری به این پیمان کوتاهی می‌کنند، مورد نقد قرار می‌دهد.¹⁰¹ با این حال، قرآن تأکید می‌کند که خداوند سرانجام پیمان خود با آنان را به انجام خواهد رساند.¹⁰²

به‌ویژه، قرآن بر اهمیت رعایت سَبَت (شنبه) از سوی یهودیان تأکید می‌ورزد و آن را در کنار پیمان کوه سینا قرار می‌دهد.¹⁰³ در تورات نیز سَبَت به‌عنوان نشانه‌ای از پیمان ابدی میان خداوند و بنی اسرائیل معرفی شده است

⁹⁹ باور مشترک به خدای یگانه، بنیان دعوتی است که در آیه‌ای از سوره آل عمران آمده است: "بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم؛ که جز خدا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک نسازیم، و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند به ربوبیت نگیرد" (آل عمران، ۶۴). این آیه، عنوان نامه‌ای سرگشاده نیز بوده که در سال ۲۰۰۷ از سوی گروهی از علما و رهبران مسلمان خطاب به رهبران مسیحی نوشته شد، نامه‌ای با هدف یافتن زمینه مشترک و ایجاد فهم متقابل میان این دو دین

¹⁰⁰ قرآن ۲: ۵۳، ۶۳

¹⁰¹ قرآن ۲: ۸۴ تا ۸۶

¹⁰² قرآن ۲: ۴۰

¹⁰³ قرآن ۲: ۶۳ تا ۶۵

بنی اسرائیل باید سَبَت را نگاه دارند و آن را در طول نسل‌ها به‌عنوان پیمانی جاودانه رعایت کنند؛ این روز نشانه‌ای همیشگی میان من و بنی‌اسرائیل خواهد بود... و چون [خداوند] سخن گفتن با موسی را بر کوه سینا به پایان رسانید، دو لوح پیمان را به او داد.¹⁰⁴

هم چنین در حدیث، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بر رعایت حرمت روز شنبه توسط یهودیان تأکید کرده است

روایت شده از سفوان بن عسال: "آن‌ها نزد رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) آمدند تا درباره نه نشانه آشکار از او سؤال کنند. پیامبر (ﷺ) به آن‌ها فرمود: "چیزی را با خدا شریک نسازید... و به ویژه برای شما یهودیان، روز شنبه را نقض نکنید."¹⁰⁵

اعتبار پایدار تورات و یهودیت

قرآن اغلب اعتبار پایدار یهودیانی را تأیید می‌کند، که مطابق تورات زندگی می‌کنند.¹⁰⁶ یکی از زمینه‌های کلیدی که این احترام بین‌دینی در آن بیان شده، سوره‌ی مائده است که بسیاری از سنت‌ها آن را واپسین سوره‌ی نازل شده در قرآن می‌دانند؛ بنابراین، می‌توان آن را بیانی قطعی و نهایی تلقی کرد. از همین‌رو، در ادامه به خوانشی گسترده از آن می‌پردازیم

همانا ما تورات را نازل کردیم که در آن رهنمود و نوری است. پیامبرانی که خود تسلیم [خدا] بودند، بر پایه آن بر یهودیان حکم می‌کردند، و همچنین دانشمندان و ربانیان، بر پایه بخشی از کتاب خدا که نگاهبانی از آن به ایشان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند.¹⁰⁷

¹⁰⁴ سفر خروج ۳۱: ۱ تا ۱۸.

¹⁰⁵ جامع الترمذی، حدیث شماره ۲۷۳۳.

¹⁰⁶ نگاه "نگاه قرآنی به تاریخ مقدس و سایر ادیان"، نوشته‌ی جوزف لامبارد در قرآن پژوهی (The Study Quran)، انتشارات هارپر، ۲۰۲۵، صفحات ۱۷۶۵ تا ۱۷۸۴، که به‌طور گسترده این رویکرد را مستند و تئیس می‌کند

¹⁰⁷ ۴۴، ۵.

سوره در ادامه، انجیل را به "پیروان انجیل" عطا شده توصیف می‌کند تا بر پایه آن داوری کنند، و هم چنین از "کتاب"ی سخن می‌گوید که به محمد نازل شده است. آن‌گاه چنین بیان می‌دارد

پس بر اساس آن چه خدا نازل کرده است، در میان آنان داوری کن و از امیال و خواسته های شان که تو را از حقیقتی که بر تو نازل شده منحرف می‌سازد، پیروی مکن. برای هر امتی، شریعت و راهی مقرر داشته ایم. و اگر خدا می‌خواست، شما را یک امت واحد می‌گردانید، ولی [چنین نکرد] تا شما را در آن چه به شما داده، بیازماید. پس در نیکی‌ها بر یک‌دیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را از آن چه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه خواهد ساخت. و در میان آنان به آن چه خدا نازل کرده، داوری کن...¹⁰⁸

چهار اصل اساسی از این آیات به دست می‌آید: ۱. تورات از سوی خداوند به یهودیان داده شده تا قانون اساسی و بنیان سبک زندگی آنان باشد. ۲. اراده خداوند بر این بوده است که برای هر جامعه دینی، قوانین متفاوتی مقرر گردد. ۳. رقابت اصلی میان این جوامع مختلف دینی، در انجام اعمال نیک است. ۴. و نهایتاً، درباره اختلافات میان این جوامع، داوری نهایی را خداوند در زمانی دیگر انجام خواهد داد. این اندیشه که جوامع گوناگون دینی در انجام اعمال نیک با یک‌دیگر رقابت کنند و داوری نهایی درباره تفاوت‌هایشان را به خداوند واگذارند، به روشنی مشروعیت ادامه حیات سایر ادیان را به رسمیت می‌شناسد

هر یک از این عناصر به‌طور گسترده‌ای در سراسر قرآن تکرار شده اند. برای نمونه، سوره‌ی مائده در ادامه بار دیگر تأکید می‌کند که یهودیان و مسیحیان باید آن چه را که به ایشان در تورات و انجیل داده شده است، رعایت کنند

اگر تورات و انجیل و آن چه از سوی پروردگار شان بر آنان نازل شده بود را رعایت می‌کردند، بی‌شک از فراز آسمان و از زیر پای خود روزی می‌یافتند... بگوای اهل کتاب! تا زمانی که تورات و انجیل و آن چه از سوی پروردگارتان نازل شده است را رعایت نکنید، بر هیچ چیز استوار نیستید.¹⁰⁹

¹⁰⁸. ۴۸ تا ۴۹.

¹⁰⁹. ۶۶ تا ۶۸.

حدیث نقل می‌کند که یهودیان نزد محمد (ﷺ) آمدند تا درخواست حکم کنند. او به جای صدور حکم، عالمی یهودی را فراخواند تا براساس تورات به آنان حکم دهد

"تورات را بیاورید." تورات را آوردند. سپس حضرت محمد (ﷺ) بالشتک زیر خود را برداشت و تورات را بر آن گذاشت و گفت: "من به تو و به آن کسی که تو را نازل کرده ایمان آوردم." سپس فرمود: "کسی را که در میان شما عالم است بیاورید. پس جوانی آورده شد..."¹¹⁰

به همان روح، سوره بقره تأکید می‌کند که میان ادیان اختلافاتی در عمل وجود دارد، اما رقابت اساسی میان آنها در نیکی‌هاست: "هر کس رو به سوی قبله‌ای دارد. پس در کارهای نیک با یک‌دیگر رقابت کنید. هر کجا باشید، خداوند شما را همه گرد هم خواهد آورد. بی‌گمان خدا بر هر چیز تواناست."¹¹¹

اولویت عمل بازتاب دهنده‌ی میدرشی است که در بخش اول این رساله نقل شد و می‌گوید: "من به عنوان شاهدان، آسمان و زمین را می‌آورم که چه یهودی یا غیر یهودی، مرد یا زن، برده یا خدمتکار باشد، همه چیز بر اساس اعمالشان است که روح القدس بر آنان نازل می‌شود"¹¹²

قرآن بارها تأکید می‌کند که هر یک از جوامع مختلف، مناسک و پیامبران خاص خود را از سوی خداوند دریافت کرده‌اند و بنابراین دلیلی برای نزاع و جدال میان آنها وجود ندارد.¹¹³ در همین راستا، قرآن تنوع را اراده خداوند می‌داند و می‌فرماید: "ای مردم! به راستی ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت اقوام و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید. همانا گرمای‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است"¹¹⁴

¹¹⁰ حدیث: سنن ابی داود، شماره ۴۴۴۹.

¹¹¹ ۲. ۱۴۶.

¹¹² تانا دوی علیاهو، فصل ۹.

¹¹³ نگاه قرآن ۱۰: ۴۷، ۲۲: ۳۴، ۲۲: ۶۷.

¹¹⁴ ۱۳: ۴۹.

نتیجه منطقی این روی کرد، رد انحصار طلبی دینی است، به‌ویژه میان ادیان توحیدی ابراهیمی. در این راستا، سوره بقره به نقد آن چه رد متقابل یهودیان و مسیحیان می‌داند می‌پردازد، "اگرچه آن‌ها کتاب را تلاوت می‌کنند":

یهودیان می‌گویند: "مسیحیان بر هیچ چیزی پای‌بند نیستند" و مسیحیان می‌گویند: "یهودیان بر هیچ چیزی پای‌بند نیستند"، اگرچه آن‌ها کتاب (آسمانی) را تلاوت می‌کنند. به همین گونه کسانی که نمی‌دانند نیز سخنانی مانند سخنان آن‌ها می‌گویند. خداوند در روز قیامت درباره آن چهارده اختلاف داشتند، میانشان داوری خواهد کرد... یهودیان هرگز از تو راضی نخواهند شد و مسیحیان نیز نه، مگر آنکه از دین آن‌ها پیروی کنی.¹¹⁵

اگر یک مسلمان از آیات بالا چنین نتیجه بگیرد که یهودیان و مسیحیان بر هیچ اصولی پای بند نیستند، پیام این آموزه را درک نکرده است. اشاره این آیات به روز قیامت که خداوند در آن میان یهودیان و مسیحیان داوری می‌کند و اختلافات شان را برطرف می‌سازد، بر مشروعیت و اعتبار ادامه‌دار این ادیان تا آن روز تأکید می‌کند. چرا که اگر ظهور اسلام باعث می‌شد این ادیان بی‌اعتبار و منسوخ شوند، دیگر نیازی به داوری میان آنها در روز قیامت نبود.¹¹⁶

¹¹⁵ ۱۱۳، ۱۲۰.

¹¹⁶ این اندیشه که در روز رستاخیز، خداوند یهودیان را داوری خواهد کرد و میان یهودیان و مسیحیان قضاوت خواهد نمود، بارها در قرآن آمده است، که به روشنی نشان می‌دهد تا آن زمان این دین‌ها هنوز دارای اهمیت و موضوعیت هستند. نمونه‌هایی دیگر از این مضمون: "و تنها کسانی که درباره‌ی [احرمات] شنبه اختلاف کردند، آن را واجب شمردند، و بی‌گمان پروردگارت روز قیامت میان آنان درباره‌ی آن چه در آن اختلاف داشتند داوری خواهد کرد" (انعام، ۱۲۴)

"و همانا ما بنی‌اسرائیل را در سرزمین امنی جای دادیم، و از روزی‌های پاکیزه برخوردارشان ساختیم، و تا زمانی که دانش به آن‌ها رسید، اختلاف نکردند. بی‌تردید پروردگارت روز رستاخیز درباره‌ی آن چهارده اختلاف می‌کردند میان‌شان داوری خواهد کرد" (یونس، ۹۳)

"کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهودیان، و صابان، و مسیحیان، و مجوس، و مشرکان، بی‌گمان خداوند روز رستاخیز میان‌شان داوری خواهد کرد" (حج، ۱۷)

"و همانا ما به بنی‌اسرائیل کتاب و داوری و پیامبری عطا کردیم، و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان نمودیم، و آنان را بر جهانیان برتری دادیم. و دلایل روشنی از فرمان [خدا] به ایشان دادیم، و آن‌ها جز پس از آمدن دانش، از روی حسادت با یکدیگر اختلاف نکردند. پروردگارت یقیناً روز قیامت درباره‌ی آن چه در آن اختلاف می‌کردند میان‌شان داوری خواهد کرد" (جاثیه، ۱۶)

یکی از اسناد تاریخی که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی تساهل و گشودگی اسلام نسبت به یهودیت است، "قانون اساسی دولت‌شهر مدینه"¹¹⁷ است که توسط پیامبر اسلام (ﷺ) تدوین شد. در این سند آمده است که مسلمانان و یهودیان با هم یک امت واحد را تشکیل می‌دهند¹¹⁸ و تصریح شده است: "برای یهودیان، دین آن هاست و برای مسلمانان، دین خودشان."

نجات آسمانی برای یهودیان

پرسش از شایستگی پیروان ادیان دیگر برای نجات، تنها یک مسأله‌ی فلسفی یا الهیاتی نیست، بلکه نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری روابط میان دو جامعه‌ی دینی ما دارد. اگر کسی باور داشته باشد که صرف تفاوت در هویت دینی، دیگری را مستحق طرد و عذاب الهی می‌کند، این نگرش می‌تواند ناخواسته زمینه‌ساز توجیه خشونت‌هایی شود که به نام خدا انجام می‌گیرند — همان روند ناهنجاری که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت

معیاری فراگیر برای ورود به بهشت در بسیاری از بخش‌های قرآن دیده می‌شود. برای مثال، در ادامه‌ی سوره‌ی مائده می‌خوانیم: "بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهودیان، و صابئان، و مسیحیان — هر کس به خدا و روز قیامت ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، نه ترسی بر او خواهد بود و نه اندوهگین خواهد شد."¹¹⁹

در جای دیگری، قرآن این باور را که بهشت تنها ویژه‌ی پیروان یک دین خاص است، رد می‌کند.

و گفتند: "هیچ‌کس وارد بهشت نمی‌شود مگر اینکه یهودی یا مسیحی باشد." این آرزوهای آن هاست. بگو: "اگر راست می‌گویید، برهان خود را بیاورید. نه، هر کس روی خود را با اخلاص به سوی خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش خواهد بود، و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین خواهند شد."¹²⁰

¹¹⁷ https://en.wikipedia.org/wiki/Constitution_of_Medina

¹¹⁸ متن عربی می‌گوید: "إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ" — آنان یک امت واحد هستند.

¹¹⁹ ۶۹: ۵. برای بیان دیگری از این اصل، نگاه به ۲: ۶۲.

¹²⁰ ۲: ۱۱۱ تا ۱۱۲.

این آیات باور نادرست این‌که تنها پیروان یک دین خاص در آخرت پاداش می‌گیرند را رد می‌کنند.¹²¹ در حقیقت، معیار شایستگی، بندگی و تقوای خداوند است که هیچ دینی حق انحصاری آن را ندارد. قرآن خطر این تصور نادرست درباره‌ی انحصار نجات را در آیه‌ی زیر پیش‌بینی کرده است

اما کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام داده‌اند، آنان را در باغ‌هایی وارد خواهیم کرد که نهرها از زیر آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند. وعده‌ی خداوند حق است، و چه کسی در گفتار از خدا راست‌گوتر است؟ (نجات) نه مطابق آرزوهای شماسست و نه آرزوهای اهل کتاب. هر کس بدی کند، به آن کیفر داده می‌شود، و برای خود یآوری جز خدا نخواهد یافت. و هر کس اعمال شایسته انجام دهد، چه مرد و چه زن، و در حالی که مؤمن باشد، چنین کسانی وارد بهشت خواهند شد و به‌اندازه‌ی نقطه‌ای بر روی هسته‌ی خرما به آنان ستم نخواهد شد.¹²²

عبارت کلیدی " (ورود به بهشت) نه مطابق آرزوهای شماسست و نه آرزوهای اهل کتاب" به‌روشنی بیان می‌کند که شایستگی برای نجات بر پایه‌ی هویت دینی نیست، بلکه همان‌طور که در ادامه‌ی آیه آمده، بر اساس "اعمال شایسته" است. این بخش از قرآن هشدار می‌دهد که در برابر خطر شکل‌گیری الهیاتی انحصارطلب در مسأله‌ی نجات، چه در میان مسلمانان و چه در دیگر ادیان ابراهیمی.¹²³

¹²¹ همان‌طور که در بالا گفته شد: باور رایج و پذیرفته‌شده در آیین یهود این است که بهشت (باغ عدن) برای همه‌ی پارسایان بشریت گشوده است
122: ۴ تا ۱۲۲ تا ۱۲۴.

¹²³ بخش عمده‌ای از الهیات مسیحی، نجات را بر اساس باور کلیسا به الهی‌بودن عیسی مسیح قرار داده است (نگاه کنید به حکم لاتین "Ecclesiam nulla salus"، یعنی نجات بیرون از کلیسا نیست). "یکی از عوامل مهم در روی‌کرد فراگیر قرآن نسبت به نجات آسمانی، عدم خدایی کردن محمد (ﷺ) و تأکید بر این است که بندگی و ایمان باید تنها به خداوند اختصاص یابد. برای نمونه، در قرآن آمده است: "محمد جز پیامبری نیست؛ پیش از او پیامبران دیگری نیز آمده‌اند. پس اگر بمیرد یا کشته شود، آیا شما باز خواهید گشت (۳: ۱۴۴)؟"

این حدیث به‌منظور تمایز قائل شدن بین جایگاه عیسی در مسیحیت و محمد در اسلام بیان شده است: روایت شده از عمر که گفت: شنیدم پیامبر فرمود: "در مدح من مبالغه نکنید همان‌طور که مسیحیان درباره‌ی پسر مریم مبالغه کردند، زیرا من تنها یک بنده‌ام. پس مرا بنده‌ی خدا و پیامبر او بخوانید." (صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۴۴۵)

سخنم را با حدیثی پرمعنا به پایان می‌برم که هم نجات یهودیان و مسیحیان را تأیید می‌کند و هم نسبت به این تصور نادرست هشدار می‌دهد که هویت اسلامی به‌تنهایی تضمینی برای نجات است

از عوف بن مالک روایت شده است که پیامبر خدا (ﷺ) فرمود:

پیامبر خدا (ﷺ) فرمود: "یهودیان به هفتاد و یک فرقه تقسیم شدند که یکی از آن‌ها در بهشت است و هفتاد در آتش. مسیحیان به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند که هفتاد و یک در آتش‌اند و یکی در بهشت. قسم به آن که جان محمد در دست اوست، امت من نیز به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد که یکی از آن‌ها در بهشت است و هفتاد و دو در آتش." پرسیده شد: "ای رسول خدا، آن فرقه‌ی نجات‌یافته کدام است؟" فرمود: "جماعت" (یعنی گروه اصلی و برحق).¹²⁴

آیا به رسمیت شناختن آیین یهود از سوی قرآن لغو شده است؟

با توجه به منابع روشن که در بالا ذکر شد، چگونه است که با این حال بسیاری از مسلمانان بر این باورند که یهودیت دینی منسوخ است؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، این موضوع صرفاً یک پرسش متافیزیکی نیست، بلکه مسأله‌ای وجودی و سرنوشت‌ساز است. زیرا راهی کوتاه، دردناک و خطرناک از رد هویت دینی دیگری به سمت مشروعیت‌زدایی و شیطان‌سازی آن‌ها وجود دارد که در نهایت به خشونت علیه آن‌ها می‌انجامد

به بیان ساده، پاسخ به این پرسش در اصل فقهی "نسخ" نهفته است؛ اصلی که به معنای جای‌گزینی یک حکم شرعی با حکم دیگر است. اگرچه معمولاً این مفهوم به اوامر و نواهی شرعی (یعنی احکام عملی) مربوط دانسته می‌شود و نه به باورها و مباحث کلامی،¹²⁵ برخی با تفسیر گسترده‌ای از نسخ ادعا کرده‌اند که آیات و احادیث فراگیر و مثبت در مورد یهودیت، نسخ شده و دیگر اعتبار ندارند. تراژدی تلخ این روی‌کرد در آن است که برای اثبات لغو یهودیت، ناگزیر باید اعلام شود که بسیاری از آیات قرآن نیز باطل شده‌اند و چنین چیزی به معنای نفی بخشی از خود قرآن خواهد بود. ردّ

¹²⁴ سنن ابن ماجه، ۳۹۹۲.

¹²⁵ نگاه کنید به The Study Quran، صفحه‌ی ۴۹، و پاسخ رهبر دینی مسلمان، فتح‌الله گولن، به پرسش من درباره‌ی کاربرد اصل نسخ در رابطه با یهودیت: "نسخ یک مسئله‌ی فقهی است و به آیاتی از قرآن مربوط می‌شود که حکم شرعی را بیان می‌کنند. مفهوم نسخ در مورد آیاتی که وقایع تاریخی را نقل می‌کنند یا اصول ایمانی و اعتقادی را بیان می‌دارند - که جوهر دین هستند - قابل اعمال نیست."

تورات با اتکا به این برداشت از نسخ، چیزی کمتر از ردّ بخشی از آیات قرآن نیست. در این زمینه، باید به هشدار صریح قرآن توجه کرد که می‌فرماید: "ایا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به بخشی کفر می‌ورزید؟"¹²⁶

پیامدهای این رویکرد کلامی بسیار سنگین و در مواردی مرگبار بوده است. برای نمونه، یکی از چهره‌های شاخص که با استناد به اصل نسخ، ادعا کرد که یهودیت منسوخ شده است، ابن حزم اندلسی (۹۹۴-۱۰۶۴ م) بود¹²⁷ - دانشمندی که خود فرزند نوکیشانی از آیین مسیحیت بود و در اندلس زندگی می‌کرد. او تصریح کرد: "پس بر این اساس و جز آن گفته‌ایم که هیچ‌کس نباید بر دینی جز اسلام باقی گذاشته شود: " (فَبِهَذَا وَبِغَيْرِهِ قُلْنَا: أَلَا يُتْرَكُ أَحَدٌ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ).¹²⁸ الهیات ابن حزم تأثیر عمیقی بر الموحدون (المرابطین دوم) گذاشت - حکومتی که یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها را برای یهودیان تحت حاکمیت مسلمانان در اندلس رقم زد.¹²⁹ الموحدون تحت تأثیر این نوع بینش دینی، دست به کشتار، تبعید و اسلام‌سازی اجباری یهودیان زدند. این وقایع نمونه‌ای دردناک از آن است که چگونه برداشت‌های انحصارطلبانه از دین می‌توانند به سرکوب و خشونت سازمان‌یافته علیه دیگر جوامع دینی منجر شوند

¹²⁶: ۸۴ این آیه که در اصل خطاب به کسانی است که بخشی از تورات را می‌پذیرند و بخشی را رها می‌کنند، به همان اندازه در مورد کسانی که بخش‌هایی از قرآن را رد می‌کنند نیز صدق می‌کند

¹²⁷نگاه: کامیلا آدانگ، نویسندگان مسلمان درباره‌ی یهودیت و کتاب مقدس عبری، انتشارات بریل، ۱۹۹۶، صفحات ۲۱۶ تا ۲۲۲.

¹²⁸ نقل‌شده از دیوید واسرستاین در مقاله‌ی "تبارشناسی فکری سیاست الموحدون در قبال مسیحیان و یهودیان" در کتاب تبدیل

اجباری در مسیحیت، یهودیت و اسلام، به کوشش مرسدس گارسیا-آرنال و یوناتان گلنیز-ایتان، انتشارات بریل، ۲۰۲۰، صفحه‌ی ۱۴۰.

¹²⁹ همان، صفحات ۱۳۳ تا ۱۵۱.

چرا اصل نسخ قابل اعمال بر یهودیت نیست

سه دلیل اساسی وجود دارد که چرا اصل نسخ نباید در مورد جایگاه یهودیت به کار برده شود. اول آن که، همان طوری که پیش‌تر اشاره شد، نسخ به مسایل اعتقادی، باورهای دینی یا مباحث متافیزیکی مربوط نمی‌شود و تنها در حوزه‌ی احکام فقهی کاربرد دارد. دوم این که، نسخ تنها زمانی ممکن است که حکم متأخری، حکم پیشین را لغو کند. با این حال، برخی از نیرو مند ترین تأییدهای قرآنی بر مشروعیت تورات و یهودیت به‌عنوان راهی برای نجات، در سوره‌ی مائده آمده اند — سوره‌ای که بسیاری از روایات آن را واپسین سوره‌ی نازل شده‌ی قرآن می‌دانند. این تاریخ متأخر نزول، امکان اعمال نسخ را منتفی می‌سازد، چنان که در روایتی که ابن کثیر به نقل از عایشه، همسر پیامبر اسلام، آورده، به‌صراحت به این نکته اشاره شده است

نقل شده است که او (جَبْرِ) پس از انجام حج به دیدار سَیدة عایشه رفت. عایشه از او پرسید: "ای جَبْرِ، آیا سوره‌ی مائده را می‌خوانی؟" او پاسخ داد: "بله، می‌خوانم". سَیدة عایشه گفت: "این، آخرین سوره از قرآن کریم است. احکام مربوط به حلال و حرام در آن، محکم (یعنی روشن و قطعی) هستند. احتمال نسخ (لغو و جایگزینی) در آن وجود ندارد. پس در عمل به آن احکام، دقت ویژه داشته باش"¹³⁰

در نهایت، آیاتی از قرآن که به‌عنوان ابطال‌کننده‌ی یهودیت ذکر می‌شوند، تنها بر اساس نوعی تفسیر خاص چنین مفهومی پیدا کرده‌اند — تفسیری که با معنای آشکار و ساده‌ی آیات در تضاد است. یکی از اصلی‌ترین آیاتی که به‌عنوان پایه‌ای برای نظریه‌ی نسخ آورده می‌شود، آیه‌ی ۸۵ از سوره‌ی آل عمران است: "وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي آلِهِ يَخْرَجُ مِنَ الْخَيْرِينَ: هر کس دینی جز اسلام بجوید، از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود." اما باید به خاطر داشت که واژه‌ی اسلام در قرآن، تنها به معنای شریعتی که با قرآن نازل شده نیست؛ بلکه مفهومی عام دارد که به معنای تسلیم در برابر خداوند در مسیر ابراهیم است. به همین دلیل، قرآن ابراهیم، یعقوب و فرزندان او را همگی مسلمان (مسلم) معرفی می‌کند، با آن که آنان پیش از نزول تورات و قرآن زیسته‌اند. نمونه‌ای دیگر از معنای گسترده‌ی واژه‌ی مسلمان، در آیه‌ی کلیدی سوره‌ی مائده درباره‌ی جایگاه یهودیان آمده است، جایی که از فعل اَسْلَمُوا برای توصیف یهودیانی که مطابق تورات زندگی می‌کنند، استفاده می‌شود — به معنای کسانی که تسلیم خداوندند

¹³⁰ تفسیر ابن کثیر بر سوره‌ی مائده.

"بی‌گمان ما تورات را فرو فرستادیم که در آن، هدایت و نوری است. پیامبرانی که تسلیم بودند [در عربی: *أسلموا*]، بر یهودیان بر اساس آن داوری می‌کردند، و هم چنین دانشوران و احبار، بر پایه‌ی آن چه از کتاب خدا مأمور به نگاهبانی‌اش بودند و بر آن گواه بودند، حکم می‌کردند."¹³¹

هر یک از سه استدلالی که در بالا برای نفی کاربرد اصل نسخ در مورد یهودیت بیان شد، به‌تنهایی از استحکام و اعتبار کافی برخوردار است. امید صمیمانه‌ی من این است که بر پایه‌ی ارزش‌های اصیل اسلام، همان‌گونه که در متون دینی انعکاس یافته، اجماعی فراگیر شکل گیرد که این «رد» را خود رد کند-ردی که چشم‌انداز آینده‌ای مبتنی بر همزیستی را تضعیف می‌سازد؛ آینده‌ای که در آن، به خاطر خدا، برادری میان مسلمانان و یهودیان شکوفا شود

وضعیت تورات:

قرآن به قوم یهود عنوان محترم "اهل کتاب" را اعطا می‌کند.¹³² متأسفانه، این پایه‌ی احترام به یهودیت به‌طور جدی توسط برخی از مسلمانان تضعیف می‌شود که مدعی‌اند توراتی که یهودیان امروز در اختیار دارند، تحریف شده و تورات مقدسی که قرآن بارها به آن اشاره می‌کند، نیست منشأ این ادعا که در منابع اصلی و شکل‌دهنده‌ی اسلام ریشه ندارد و در واقع با آن‌ها در تناقض است، چیست؟ مفهومی به نام «تحریف» (Tachrif) وجود دارد که برگرفته از واژه‌ای است که چندین بار در قرآن درباره‌ی تورات به کار رفته است. برای مثال: "در میان یهودیان کسانی هستند که معنای کلمه را تحریف می‌کنند (يُحَرِّفُونَ)".¹³³

¹³¹: ۴۴. در ارتباط با ادعای نسخ یهودیت، هم‌چنین به رای‌ی ناتانال فیومی (۱۹۰-۱۱۶۵)، رهبر یهودیان یمن، و کتاب او *بستان العقول*، که اثری یهودی-عربی در حوزه‌ی الهیات و اخلاق است، مراجعه کنید. این کتاب بارها از قرآن نقل قبول می‌کند تا تأیید کند که قرآن برای نسخ تورات نازل نشده است. برای ترجمه‌ی انگلیسی بخش‌های مرتبط، نگاه: *God Shall Be One* صفحات ۴۸ تا ۴۹.

¹³² این عنوان (اهل کتاب) مسیحیان را نیز در بر می‌گیرد، به رسمیت شناختن انجیل که قرآن نیز آن را دارای منشأ الهی می‌داند.
¹³³: ۴: ۴۶. هم‌چنین نگاه به سایر آیاتی که واژه‌ی "تحریف" یا مفهوم آن در قرآن آمده است: بقره: ۷۵-۷۹، مائده: ۱۳، و مائده: ۴۱.

از نظر زبان‌شناسی، واژه‌ی "تحریف (Tachrif)" به کلمه‌ی عربی "میل دادن"¹³⁴ یا "کج کردن"¹³⁵ مرتبط است. بسیاری از مفسران کلاسیک مانند الطبری و الرازی این آیه را به معنای میل دادن یا تفسیر نادرست از معنای تورات دانسته‌اند. این همان معنای "تحریف" است که توسط عبدالله بن عباس - پسرعمو و از صحابه پیامبر اسلام - توضیح داده شده است، که به سبب جایگاهش به نظراتش اهمیت بیشتری داده می‌شود: *يُخْرِفُونَ* (آیه ۴۶ سوره نساء) به معنی "آن‌ها کلمه را تغییر می‌دهند" است، اما هیچ کس قادر نیست حتی یک کلمه از کتاب خدا را تغییر دهد. منظور این است که آن‌ها معنی کلمه را به اشتباه تفسیر می‌کنند.¹³⁶

تعریف ابن عباس از تحریف با آیاتی از قرآن هماهنگ است که به روشنی نشان می‌دهند یهودیان در زمان پیامبر اسلام هنوز توراتی را در اختیار داشتند که از سوی خدا به آنان داده شده بود. برای مثال: "و چگونه است که آنان نزد تو برای داوری می‌آیند، در حالی که تورات نزد خود دارند که در آن حکم خداوند است؟"¹³⁷ و "پس اگر در آن چه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی بپرس که پیش از تو کتاب را می‌خواندند."¹³⁸

حدیث مهمی که پیش‌تر نقل شد (و در ادامه نیز مجدداً آورده می‌شود) درباره احترامی که محمد به تورات قایل بود، شاهدی غیرقابل انکار است بر این که پیامبر اسلام آن را جعلی نمی‌دانست

"تورات را بیاورید!" سپس تورات آورده شد. او (محمد) بالش را از زیر خود برداشت و تورات را بر آن گذاشت و گفت: "به تو و به آن کسی که تو را نازل کرده ایمان آوردم". سپس فرمود: "برایم یکی از دانشمندان شما را بیاورید. آن‌گاه جوانی آورده شد..."¹³⁹

¹³⁴ برای بررسی جنبه‌های زبان‌شناختی واژه‌ی "تحریف" به معنای "کج کردن معنا" یا "انحراف"، نگاه: *The Study Quran*، ص ۳۶.

¹³⁵ کامیلا آدانگ، نویسندگان مسلمان درباره‌ی یهودیت و کتاب مقدس عبری، صفحات ۲۲۳ تا ۲۴۸.

¹³⁶ صحیح بخاری، کتاب التوحید، باب سوره‌ی بروج: در آیات ۲۱ و ۲۲ از سوره‌ی بروج آمده است: "كَلَّا إِنَّهُ قُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٢١﴾ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾" یعنی: نه چنین است! بلکه این قرآنی است باشکوه، که در لوحی محفوظ نگاشته شده است.

¹³⁷ ۴۳: ۵.

¹³⁸ ۴۹: ۱۰.

¹³⁹ حدیث: سنن ابی‌داوود، شماره‌ی ۴۴۴۹.

علاوه بر این، همان‌طور که بسیاری اشاره کرده‌اند، این‌که قرآن تنها برخی از یهودیان را به "تحریف" متهم می‌کند، نشان می‌دهد که منظور آن، تفسیر نادرست است نه جعل یا تحریف واقعی متن. زیرا اگر منظور جعل واقعی بود، باید پذیرفت که یهودیان در جوامع مختلف نسخه‌های متفاوتی از تورات داشتند که ناشی از تحریف‌های مکتوب برخی از آنان بوده است - ادعایی که هرگز مطرح نشده است.¹⁴⁰

باز هم این ابن حزم است که در میان جدل‌های تند و گزنده‌اش علیه یهودیان، موضعی افراطی اتخاذ کرد و ادعا نمود که "تحریف" به معنای جعل کامل متن تورات است؛ جعلی که به گفته‌ی او، توسط عزرا کاتب انجام شده - کسی که بیش از هزار سال پیش از ظهور اسلام می‌زیسته است.¹⁴¹ با این حال، بسیاری از عالمان مسلمان خواهان بازگشت به معنای اصلی واژه‌ی "تحریف" شده‌اند؛ نه فقط به این دلیل که معنای جعل با آیات فراوانی از قرآن و احادیثی که بر اعتبار پایدار تورات صحه می‌گذارند در تضاد است، بلکه به این دلیل که خود این ادعا می‌تواند پیامدهایی نامطلوب برای عقاید اسلامی داشته باشد. زیرا این تصور که تورات اصیل از میان رفته و آنچه امروز در دست یهودیان است نسخه‌ای جعلی است، با اعتقاد مسلمین به غیرقابل تغییر بودن کلام خداوند در تعارض قرار می‌گیرد: آنچه از کتاب پروردگارت بر تو وحی شده بخوان، که هیچ‌کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد. (سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۷).¹⁴²

چنان که تامر محمد متولی به طرز تأثیرگذاری استدلال می‌کند، می‌توان اسلام را به رأس بنایی تشبیه کرد که بر پایه‌ی وحی‌های پیشین بنا شده است. تاریخ قوم یهود بخش اساسی و جدایی‌ناپذیر از داستان اسلام است. قرآن، به‌عنوان حامل سنت الهی، از یهودیان به‌عنوان شاهدان این سنت یاد می‌کند. ادعای جعلی بودن کتاب آنان، نقش ایشان را در این ساختار تضعیف می‌کند. متولی در این‌باره می‌گوید: "ویران کردن هر بخش از این ساختمان، به‌منزله‌ی ویران کردن تمام آن است؛ و دفاع از آن، یعنی حفظ کلیت بنا... تاریخ یهود بخشی مهم و حیاتی از تاریخ ماست."¹⁴³

¹⁴⁰ علاوه بر آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی نسا، به آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی بقره نیز توجه کنید. این نکته را پروفیسور تامر محمد متولی در مقاله‌ای با عنوان "تعصب علیه یهودیت" (Bias against Judaism) در نشریه‌ی الصادقین (۲۰۲۰، صفحه‌ی ۲۱) مطرح کرده است. او همچنین خاطرنشان می‌کند که همان‌طور که این ادعا تنها متوجه برخی از یهودیان است، نه همه‌ی آن‌ها، درباره‌ی تورات نیز تنها به بخشی از آن اشاره دارد، نه تمام آن (مأنده: ۱۲).

¹⁴¹ نگاه: کامیلا آدانگ، "جدل‌های ضد یهودی در میان مسلمانان قرون وسطی درباره‌ی کتاب مقدس یهود"، در کتاب برداشت‌های مسلمانان از ادیان دیگر، ۱۹۹۹، صفحه‌ی ۱۵۳.

¹⁴² ۲۷: ۱۸. نگاه: "هیچ‌کس کلمات خدا را دگرگون نمی‌سازد"، سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۳۴.

¹⁴³ تعصب علیه یهودیت، صفحات VII-VIII.

تعریف "تحریف" به‌عنوان جعل عمدی و دست‌کاری در متن تورات، دقیقاً همان چیزی است که قرآن در برابر آن هشدار می‌دهد: تفسیر نادرست و کج‌فهمی از کلمات کتب مقدس. از این جهت، این نوع تفسیر نادرست با روش کسانی شباهت دارد که با استناد به اصل نسخ، ادعا می‌کنند تورات منسوخ شده است؛ چرا که آن‌ها نیز با این ادعا، عملاً بسیاری از آیات صریح قرآن را که خلاف این نظر را بیان می‌کنند، بی‌اعتبار اعلام می‌نمایند.

باید با قاطعیت هر دو ادعا را رد کرد: هم ادعای جعلی بودن تورات مقدس و هم ادعای نسخ یهودیت. تنها از این راه می‌توان به نفرت و خشونت‌هایی که این تصورات علیه قوم یهود دامن زده‌اند، پایان داد و زمینه‌ای برای برادری میان یهودیان و مسلمانان فراهم ساخت. من باور دارم که چنین برادری، تحقق اراده‌ی الهی خواهد بود و برکات آن همه را در بر خواهد گرفت.

بخش زیادی از قرآن، بازگویی داستان قوم یهود است. در واقع، شخصیتی که بیش از هر فرد دیگری در قرآن ذکر شده، حضرت موسی است که نام او بیش از ۱۳۰ بار در قرآن آمده است. یکی از رهبران دینی مسلمان روزی بینشی عمیق با من در میان گذاشت درباره‌ی اهمیت تاریخ یهودیان: "داستان قوم یهود، مدرسه‌ای برای بشریت است." و واقعاً هم بشریت می‌تواند از توصیف‌های تورات درباره‌ی کامیابی‌ها و ناکامی‌های قوم یهود درس‌های فراوانی بیاموزد. اما آنچه برای این روند یادگیری ضروری است، یادآوری این نکته است که همان کتاب‌های مقدسی که یهودیان را نقد می‌کنند، در عین حال از محبت ابدی خداوند نسبت به آن‌ها سخن می‌گویند — با وجود نقص‌هایی که دارند؛ نقص‌هایی که همه‌ی انسان‌ها در آن شریک اند.

سرزنش و نقد همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر تحول و رشد در سنت یهودی بوده است. این رویکرد ریشه در نگاه کتاب مقدس دارد که توبیخ را جلوه‌ای از محبت الهی می‌داند: "زیرا هر که را خداوند دوست دارد، او را توبیخ می‌کند."¹⁴⁴ به همین دلیل، تورات در کنار بیان نکات مثبت فراوان درباره‌ی قوم یهود و محبت خدا نسبت به آنان، انتقاداتی نیز از لغزش‌ها و خطاهای برخی یهودیان در موقعیت‌های خاص ارائه می‌دهد.

ارزش هشدار دادن نسبت به خطا و گناه، در فرمان الهی کتاب لاویان (لاوین)، فصل ۱۹، آیه‌ی ۱۷ بیان شده است: "بی‌گمان باید همسایه‌ات را توبیخ کنی." می‌توان پیام نیرومندی را از جایگاه این

¹⁴⁴ مزامیر ۳: ۱۲.

حکم در میان دو آموزه‌ی مهم دیگر استخراج کرد: از یک‌سو، قرار گرفتن آن پس از نهی از "بی‌تفاوت ماندن در برابر خون همسایه‌ات" (آیه‌ی ۱۶) و از سوی دیگر، پیش از فرمان به "محبت به همسایه چونان خودت" (آیه‌ی ۱۸). از این ترکیب درمی‌یابیم که خودداری از هشدار دادن به دیگران، تا حدی شبیه به بی‌عملی در برابر به‌خطر افتادن جان یک انسان است. اما در سوی دیگر، هنگامی که توبیخ به‌شکل درست و بجا انجام شود، در واقع جلوه‌ای از محبت و شفقت نسبت به اطرفیان است

توانایی آموختن از گذشته و تلاش برای غلبه بر اشتباهات، یکی از دلایل پایداری و استقامت قوم یهود است؛ قومی که تورات و هویت خود را بیش از سه هزار سال — از زمان پیمان در سینا — حفظ کرده اند. تورات در این مسیر رشد و اصلاح درونی، نقش راهنما دارد؛ چراکه با روی‌کردی صادقانه و بی‌پرده، مشکلات و ضعف‌ها را به رسمیت می‌شناسد و زمینه‌ی آگاهی، توبه و بهبود را فراهم می‌سازد

در مقابل، قرآن نقدهای زیادی نسبت به پیروان خود ندارد. این امر تا حد زیادی به این دلیل است که قرآن مربوط به زمانی است که اسلام تنها در دایره کوچکی از پیروان محمد (ﷺ) رواج داشت. بدون شک، اگر روایت‌های قرآن تاریخ هزار ساله پیروانش را در بر می‌گرفت، همانند کتاب مقدس عبری، ابعاد توبیخ و سرزنش نیز در آن دیده می‌شد. این نکته در حدیثی^{۱۴۵} اشاره شده است که هشدار می‌دهد اشتباه است تصور کنیم که صرفاً هویت مسلمانی تضمینی برای رستگاری است. برعکس، در میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، کسانی هستند که سزاوار بهشت‌اند و کسانی که نیستند

متأسفانه، پذیرش انتقاد از خود که در طول تاریخ از ویژگی‌های قوم یهود بوده، به‌درستی فهمیده نشده و در برخی موارد منبعی برای یهودستیزی شده است. به جای آن که پیام این باشد که همه‌ی انسان‌ها باید خوداندیشی کنند و به کاستی‌های فردی و جمعی خود بپردازند،^{۱۴۶} برخی نقدهای کتاب مقدس نسبت به گروه‌هایی خاص از یهودیان را به عنوان حکم‌های قطعی درباره‌ی ذات همه‌ی یهودیان تفسیر می‌کنند. اما همان‌طور که خواهیم دید، قرآن نه تنها این نگرش اشتباه را رد می‌کند، بلکه به‌صراحت تأکید می‌نماید که انتقاد از اهل کتاب زمینه‌مند و موقعیت‌محور است، یعنی نمی‌تواند مبنایی برای محکومیت‌های کلی و گسترده علیه قوم یهود باشد

^{۱۴۵} نگاه: توضیحات فوق درباره‌ی این حدیث، سنن ابن ماجه، شماره‌ی ۳۹۹۲.

^{۱۴۶} "...اقوال منتسب به پیامبر نشان می‌دهد که نقدهای وارده به جوامع دینی پیشین نباید صرفاً به عنوان محکومیت‌های آن جوامع به خودی خود تلقی شوند... بلکه می‌توان آن‌ها را به‌طور وسیع‌تر به عنوان نقدی بر گرایش انسانی به فراموشی و در نتیجه شکستن عهد با خدا تفسیر کرد. از این منظر، این نقدها نه تنها به عنوان محکومیت کسانی که در گذشته عهد را شکسته‌اند عمل می‌کنند، بلکه به عنوان هشدار نسبت به گرایش عمومی به شکستن عهد نیز محسوب می‌شوند." جوزف لومبارد، "عهد و عهدنامه‌ها در قرآن"، مجله مطالعات قرآنی، ۲۰۱۵، صفحه ۱۵

برکات خداوند بر بنی اسرائیل و بخشش الهی

پیش از پرداختن به نقدهای قرآن درباره‌ی یهودیان، شایسته است ابتدا به برخی از توصیف‌های قرآن درباره‌ی یهودیان به عنوان دریافت‌کنندگان برکات و بخشش‌های خداوند اشاره کنیم. از جمله این توصیف‌ها: "ای بنی اسرائیل! نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و این که شما را بر جهانیان برتری بخشیدم."¹⁴⁷

بنی اسرائیل این برکات را به‌خاطر رفتار شایسته و سزاوارشان دریافت کردند:

و ما به مردمی که مورد ستم بودند، بخش‌های شرقی و غربی سرزمینی را که برکت داده بودیم، به ارث گذاشتیم. و وعده نیکوی پروردگارت برای بنی اسرائیل به‌خاطر شکیبایی آنان تحقق یافت.¹⁴⁸

آیه‌ای پیشین در همین سوره، موسی را به تصویر می‌کشد که به قوم خود تعلیم می‌دهد که با شکیبایی، شایستگی دریافت زمین را از خداوند خواهند داشت

موسی به قومش گفت: "از خدا یاری بجوید و صبر پیشه کنید. بی‌گمان زمین از آن خداست؛ او آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می‌بخشد. و سرانجام کار، از آن پرهیزکاران است."¹⁴⁹

پاپ فرانسیس، در اشاره به بیانی‌های نوسترا ائتاته (Nostra Aetate)، پایداری و وفاداری قوم یهود به ایمان شان را به رسمیت شناخته و چنین گفته است

"پیمان با اسرائیل همچنان پابرجاست، و یهودیان در طول آزمون‌های سهمگین چند قرن اخیر، ایمان خود به خدا را حفظ کرده‌اند؛ و بابت این وفاداری، ما — کلیسا و تمامی خانواده‌ی بشری — هرگز نمی‌توانیم به اندازه‌ی کافی از آنان سپاسگزار باشیم."¹⁵⁰

صبر و ایمان به خدا، از ویژگی‌های بارز تاریخ هزاران‌ساله‌ی قوم یهود است؛ مردمی که با وجود آزارها و شکنجه‌های دینی مداوم، هویت و باورهای خود را حفظ کرده‌اند

¹⁴⁷: ۴۷. نگاه هم‌چنین به آیات ۱۲۲ سوره بقره، ۲۰ سوره مائده و ۱۶ سوره جاثیه.

¹⁴⁸: ۷: ۱۳۷.

¹⁴⁹: ۷: ۱۲۸. نگاه کتاب The Study Quran، صفحه‌ی ۴۴۸.

¹⁵⁰ نامه به دکتر اوجنیو اسکالفاری (Dr. Eugenio Scalfari).

بخشش خداوند

همان گونه که تورات گناهان بنی اسرائیل را در دوران سرگردانی‌شان در بیابان پس از خروج از مصر روایت می‌کند، قرآن نیز به این گناهان اشاره دارد — اما در عین حال، بخشش خداوند را نیز توصیف می‌کند

و هنگامی که برای موسی چهل شب وعده گذاشتیم، شما در غیاب او گوساله را برگرفتید، و شما ستمکار بودید. سپس پس از آن شما را بخشیدیم، باشد که شکرگزار شوید. و هنگامی که به موسی کتاب و فرقان را دادیم، باشد که هدایت یابید. و زمانی که موسی به قوم خود گفت: "ای قوم من! شما با گرفتن گوساله به خود ستم کردید، پس به سوی آفریدگارتان توبه کنید و خود را بکشید؛ این نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است." آن‌گاه [خداوند] توبه‌ی شما را پذیرفت؛ بی‌گمان او توبه‌پذیر مهربان است.¹⁵¹

این نقل قول‌ها تنها بخش کوچکی از آیات فراوان قرآن هستند که قوم یهود را آمرزیده و مشمول برکات الهی نشان می‌دهند و زمینه‌ای مهم برای ورود به بحث نقدهای وارده در قرآن فراهم می‌سازند

نقد یهودیان در قرآن:

"همه‌ی آن‌ها یکسان نیستند"

با پیش‌نگری به خطر کلیشه‌سازی درباره‌ی یهودیان، قرآن اغلب همراه با نقد یهودیان، هشدارهایی درباره‌ی اجمالی‌گویی و تعمیم دادن صادر می‌کند. برای مثال، پس از توبیخ قوم یهود، سوره آل عمران چنین می‌فرماید

"همه‌ی آنان یکسان نیستند. از اهل کتاب، گروهی راست‌کردارند که آیات خدا را در دل شب می‌خوانند، در حالی که سجده می‌کنند. آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند، به کار نیک فرمان می‌دهند و از کار زشت باز می‌دارند و در انجام دادن کارهای نیک شتاب می‌ورزند؛ و آنان از شایستگان‌اند. هر کار نیکی که انجام دهند، از آن محروم نخواهند شد؛ و خداوند پرهیزگاران را می‌شناسد."¹⁵²

۲: ۵۱ تا ۵۴

¹⁵¹ نگاه هم‌چنین به آیات: ۳: ۷۵، ۴: ۱۶۰-۱۶۲، و ۷: ۱۵۹. نگاه محمد علی، "همه‌ی آن‌ها یکسان نیستند: نگاه روشنفکران مسلمان اندونزی به یهودیت"، در *Indonesia and the Malay World*، شماره ۳۸، سال ۲۰۱۰، صفحات ۲۲۹-۳۴۷. روون فایراستون، "قرآن درباره‌ی یهود و یهودیت"، در *CCAR Journal*، سال ۲۰۱۸، صفحات ۱۵۲-۱۶۵.

نگرش نهفته در عبارت "همه‌ی آن‌ها یکسان نیستند" برای درک درست ماهیت نقدهای وارده به یهودیان در قرآن بنیادی است. این نقدها اغلب متوجه رفتار گروه‌های خاصی از یهودیان بوده که به فرامین دینی خود عمل نمی‌کردند. در بخش‌های بعد، دو نمونه از توبیخ‌های قرآنی را نقل می‌کنم که با نگاهی ژرف‌تر، در واقع تأییدی بر احترام به یهودیان و آیین یهودیت نیز هستند

سرزنش یهودیانی که حرمت سَبَت را شکستند

برخی از سخنان تحقیرآمیزی که گاه به نام اسلام علیه یهودیان بیان می‌شود، آن‌ها را "میمون می‌خواند—توصیفی که در مواردی به دامن زدن به یهودستیزی خشونت‌بار انجامیده است. این برداشت، تحریفی آشکار از کلمات و پیام قرآن است".

توبیخ "میمون‌های خوار و خفیف باشید" در قرآن در بستر نقد یهودیانی آمده است که حرمت روز سَبَت را شکستند. در قرآن، نگه داشتن روز سبت بخشی اساسی از پیمانی است که در کوه سینا بسته شد، چنان‌که در این آیه آمده است: "و کوه [طور] را بالای سرشان برافراشتیم در حالی که پیمان بستند، و به آنان گفتیم: با خضوع و فروتنی از دروازه [شهر] درآیید، و گفتیم: در روز سبت تعدی نکنید، و با آنان پیمانی محکم بستیم."¹⁵³ قرآن این پیمان را با نکوهش یهودیانی که در نگه‌داشتن سبت کوتاهی کردند، تأیید می‌کند و می‌فرماید: "و چون در آن چه از آن نهی شده بودند، سرکشی کردند، به ایشان گفتیم: میمون‌های خوار و خفیف باشید!"¹⁵⁴

پیامی که قرآن از طریق این محکومیت تند منتقل می‌کند، آن است که هر انسانی وظیفه دارد به پیمانی که با خدا بسته، وفادار بماند—تعلیمی که برای پیروان هر آیینی معنا و اهمیت دارد. افزون بر این، قرآن در این آیات و دیگر موارد مشابه با دقت روشن می‌سازد که این نکوهش تنها متوجه برخی از یهودیان است، نه همه‌ی آنان

سوره‌ی زیر واکنش‌هایی را که در میان جامعه‌ی یهودی نسبت به نقض حرمت روز سبت رخ داد، به تصویر می‌کشد. برخی از یهودیان دیگران را از این بی‌حرمتی بر حذر داشتند، در حالی که گروهی دیگر، گرچه خود حرمت سبت را نگه می‌داشتند، اما در برابر این تخلف سکوت اختیار کردند. این گروه ساکت، از گروه نخست که هشدار می‌دادند، پرسیدند که این تلاش چه فایده‌ای دارد

۱۵۴:۴¹⁵³

۱۶۶:۷¹⁵⁴

و چون گروهی از آنان گفتند: "چرا قومی را اندرز می‌دهید که حرمت سبت را نمی‌دارند، در حالی که خدا به زودی هلاک‌شان خواهد کرد یا با عذابی سخت کیفرشان خواهد داد؟" گفتند: "برای این‌که در پیشگاه پروردگارتان معذور باشیم، و شاید آنان پرهیزگار شوند." و چون از آن‌چه بدان تذکر داده شده بودند، روی‌گردان شدند، کسانی را که از بدی بازمی‌داشتند، نجات دادیم، و کسانی را که ستم کردند، به خاطر نافرمانی‌شان به عذابی سخت گرفتار کردیم... و چون در آن‌چهار آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنان گفتیم: "میمون‌های خوار و خفیف باشید!" و آنان را در زمین به گروه‌هایی پراکنده ساختیم: برخی‌شان شایسته بودند، و برخی دیگر غیر آن.¹⁵⁵

این‌که قرآن یهودیانی را که روز سَبْت را نگه می‌دارند شایسته و کسانی را که آن را نقض می‌کنند سزاوار کیفر می‌داند، به‌روشنی نشان می‌دهد که نقدهای مطرح‌شده، حکم کلی درباره‌ی همه‌ی یهودیان نیست، بلکه هشدار عمومی برای پایبندی به پیمان الهی و توبیخ گناهکاران است

درک خشم خدا

در مرکز نماز مسلمانان، نخستین سوره قرآن، الفاتحه قرار دارد که حداقل هفده بار در روز تکرار می‌شود. این سوره با دعایی برای هدایت به پایان می‌رسد: "اهِدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: ما را به راه راست هدایت کن، راه کسانی که بر آنان نعمت نهادی، نه راه کسانی که خشم تو بر آن‌هاست و نه گمراهان."¹⁵⁶

در تفسیر کبیر فخر الدین الرازی درباره این آیه، حدیثی نقل شده است که می‌گوید: "یهودیان کسانی هستند که خداوند بر آنان خشم گرفته و مسیحیان گمراه شده‌اند."¹⁵⁷ اما می‌توان نشان داد که این حدیث یک حکم کلی صادر نمی‌کند. کلمه عربی "المغضوب" در این آیه به معنی خشمگین است و بار دیگر در قرآن در سوره بقره، در داستان قوم بیابان آمده که به خاطر گناهان‌شان خشم خداوند ("بغضب") را برانگیختند

و هنگامی که گفتید: "ای موسی! ما یک نوع غذا را طاقت نداریم، پس برای ما از پروردگارت بخواه تا از زمین برای ما آنچه می‌روید بیرون آورد." ... پس آن‌ها مورد خواری و تنگدستی قرار گرفتند و باری از خشم خدا بر آن‌ها افکنده شد، زیرا آیات خدا را انکار کردند و پیامبران را به ناحق کشتند، و به خاطر نافرمانی و تجاوزگری‌شان بود."

¹⁵⁵: ۷ تا ۱۶۳ تا ۱۶۵.

¹⁵⁶: ۱ تا ۶، ۷.

¹⁵⁷ ترمذی، حدیث شماره ۲۹۵۴.

در این‌جا، گناهان بنی‌اسرائیل در بیابان به‌عنوان نمونه‌ای از رفتارهایی آورده شده‌اند که موجب خشم خدا می‌شود. اما بلافاصله در آیه‌ی بعدی همین سوره، تأکید می‌شود که یهودیانی که از حدود الهی تجاوز نمی‌کنند، پاداش خود را خواهند داشت

به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهودیان، و مسیحیان، و صابئین—هر که به خدا و روز قیامت ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، پاداش‌شان نزد پروردگارشان خواهد بود، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند شد.¹⁵⁸

با پایان یافتن این سوره با چنین وعده‌ای، نمی‌توان آن را مبنایی برای محکومیت کلی تمام یهودیان دانست. خشم خداوند نسبت به بنی‌اسرائیل در نهایت جای خود را به بخشش داد؛ بخششی که در بخش‌های دیگری از قرآن نیز توصیف شده است.¹⁵⁹ این بخشش بود که ورود یهودیان به سرزمین وعده داده شده را ممکن ساخت

وقتی حدیث از یهودیان به‌عنوان کسانی یاد می‌کند که مورد خشم خداوند قرار گرفته‌اند، منظور آن یک رویداد خاص در بیابان است که واژه‌ی "المغضوب" با آن مرتبط شده، و به هیچ وجه بیانگر یک رابطه‌ی همیشگی میان خداوند و یهودیان نیست

بازگشت گواهان

بخشی از نقدی که در قرآن نسبت به برخی از یهودیان مطرح شده، بر پایه‌ی این باور است که آن‌ها می‌خواستند مسلمانان را از خدا دور کنند. از دیدگاه اسلامی، این اتهام در تضاد کامل با نقش الهی مردم اهل کتاب است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: "پس اگر در آن‌چه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی بپرس که پیش از تو کتاب می‌خوانده‌اند. بی‌تردید حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده است، پس از تردیدکنندگان مباش."¹⁶⁰

قرآن، قوم یهود را به‌عنوان کسانی معرفی می‌کند که کتاب را تلاوت می‌کنند و بنابراین می‌توانند گواهی‌دهندگان بر درستی سخنان خداوند باشند. با این حال، طبق بیان قرآن، برخی از یهودیان در انجام این نقش کوتاهی کردند: "بسیاری از اهل کتاب دوست دارند پس از ایمانتان شما را به کفر بازگردانند."¹⁶¹

۶۲: ۲¹⁵⁸

۵۴ تا ۵۱: ۲¹⁵⁹

۹۴: ۱۰¹⁶⁰

۱۰۹: ۲¹⁶¹

نقل قول زیر، اتهام گمراه کردن دیگران را در برابر ایده آل قوم یهود به‌عنوان گواهان خداوند قرار می‌دهد: "گروهی از اهل کتاب می‌خواهند شما را گمراه کنند؛ در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، ولی نمی‌فهمند. ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید، در حالی که خودتان گواه هستید؟"¹⁶²

قرآن تنها متنی نیست که نقش گواه بودن را به قوم یهود نسبت می‌دهد. برعکس، منابع بنیادین و دعاهای یهودی نیز چنین مسؤولیتی را برای یهودیان قایل‌اند؛ مسؤولیتی برای کمک به ساختن آینده‌ای که در آن بشریت در هماهنگی زندگی کند و همگی خدا را خدمت کنند. بخش اول این نوشتار اصول این مسؤولیت را بیان می‌کند و بیانیه‌ای ژرف و ریشه‌دار از دیدگاه یهودیت درباره‌ی اسلام ارائه می‌دهد؛ بیانیه‌ای که در آن عبادت مسلمانان بر پایه‌ی ایمان‌شان دارای ارزش و مشروعیت دانسته شده است. این نگاه مستند یهودی به اسلام در واقع وارونه‌ی نقدهای قرآن از یهودیان است و نقش گواهی‌دهنده‌ی آنان را بازمی‌گرداند

ابراهیم باید گواهی دهد و از آن دسته از مسلمانانی حمایت کند که پیام‌ها و ارزش‌های بنیادی قرآن را در این مسایل پذیرفته و دنبال می‌کنند. بازگشت یهودیان و مسلمانان به این اصول و درونی‌سازی آن‌ها—یعنی برادری و احترام متقابل میان دو دین ما—به یاری هاشم و انشاءالله، بزرگ‌ترین برکت را به همراه خواهد داشت: آینده‌ای مشترک که در آن، برای هر یک از ما جای‌گاهی شایسته وجود دارد

برکت، اساس و پایه‌ی برادری

متأسفانه در طول قرن‌ها، برخی از رهبران مسلمان برخی آیات قرآن را به عنوان توجیهات الهیاتی برای حملات خشونت آمیز و حتی مرگبار علیه مردم یهود تفسیر کرده اند. چنین برداشت‌هایی در واقع سؤ تفسیرهایی از متن قرآن هستند. بسیار ضروری است که معلمان مسلمان امروزی به‌صراحت در برابر این سؤ تفسیرها و پیامدهای خطرناک آن‌ها موضع بگیرند

اگر به تفسیر آیه‌ی مذکور از سوره‌ی فاتحه بازگردیم، می‌توان دید که عبارت "راه کسانی که بر آن‌ها نعمت داده‌ای" می‌تواند به مردم یهود نیز اشاره داشته باشد. دوست من، پروفیسور عبدالله گلادری، به من یادآوری کرده است که کلمه عربی "أنعمت" که به معنای "نعمت داده شده" است، در قرآن برای توصیف قوم یهود نیز به کار رفته است: "ای فرزندان اسرائیل! به نعمتی که بر شما بخشیدم (أنعمت) بنگرید، و به عهد من وفادار باشید تا من نیز به عهد شما وفا کنم، و از من بترسید."¹⁶³

این‌که قرآن آیات فراوانی را به آموزش داستان قوم یهود اختصاص داده است، نشان دهنده‌ی آن است که چقدر می‌توان از مسیر آن‌ها و رابطه‌شان با خدا آموخت، به‌ویژه زمانی که در تلاشیم راهی به سوی آینده‌ای مشترک بسازیم

پس نوشت

پس از فراخوان به پیروی از عقیده‌ی ابراهیم¹⁶⁴ و یادآوری نقش اهل کتاب به‌عنوان شاهدان،¹⁶⁵ قرآن تغییر کسانی را که زمانی دشمن بودند به برادرانی که دل‌های شان به هم پیوسته است، توصیف می‌کند

و همه با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید. یاد کنید نعمت خدا را بر خودتان، هنگامی که دشمن یک‌دیگر بودید و دل‌هایتان را به هم پیوست، به گونه‌ای که بر اثر آن نعمت، برادر شدید. شما در آستانه‌ی چاهی از آتش بودید و او شما را از آن نجات داد. خداوند چنین نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد تا راه راست را بیابید.¹⁶⁶

به همان ترتیب، زوهار که از متون بنیادین معنویت یهودی است، دگرگونی درگیری‌های مرگبار به برادری آکنده از مهر و برخوردار از برکت الهی را چنین به تصویر می‌کشد

در آغاز، آنان هم چون مردانی ظاهر می‌شوند که به جنگ برخاسته‌اند و قصد کشتن یک‌دیگر را دارند. سپس، در محبت و برادری نمایان می‌گردند... خدای متبارک با شما شادمان می‌شود و صلح را بر شما اعلام می‌کند — و به خاطر شما، صلح در جهان برقرار خواهد شد، چنان‌که آمده است: "به خاطر برادران و همراهانم، اکنون خواهیم گفت: صلح بر تو باد" (مزامیر ۸: ۱۲۲).¹⁶⁷

یهودیان و مسلمانان خواهر و برادرند، فرزندان پدرمان ابراهیم. ما همگی — چه از نظر نسبی و چه از نظر روحی — از نسل دو برادر، اسحاق و اسماعیل، هستیم

¹⁶⁴ ۳: ۹۵.

¹⁶⁵ ۳: ۹۸.

¹⁶⁶ ۳: ۱۰۳. برداشتی که در اینجا ارائه شده است، برادری میان همه‌ی کسانی است که از آیین ابراهیم پیروی می‌کنند و شامل اهل کتاب، یعنی یهودیان و مسیحیان، نیز می‌شود.

در تمثیلی آمده است که هشدار می دهد از انتخاب راه کوتاه تری که در نهایت طولانی تر از راه طولانی است، پرهیز شود. به بیان دیگر، آمادگی برای سرمایه گذاری در یک فرایند بلند مدت، نتایج بهتر و پایدارتر خواهد داشت تا یک راه حل ظاهراً سریع که در نهایت به مسیری بسیار طولانی تر منجر می شود. روی کردی کلی و یکسان برای همه‌ی روابط میان دینی ممکن است در ظاهر راهی سریع تر برای ایجاد دوستی و اعتماد میان ادیان مختلف به نظر برسد؛ اما برای دستیابی به نتایجی واقعاً تحول آفرین، باید به یاد داشته باشیم که برادری، موضوعی مربوط به روابط انسانی است. از این رو، لازم است که یگانگی و ویژگی‌های خاص هر رابطه‌ی دینی دوجانبه را به رسمیت بشناسیم، چرا که هر کدام نیازمند روی کرد خاص خود هستند

بیشتر مردم جهان پیرو یکی از ادیان ابراهیمی هستند که از خاور میانه، یعنی یکی از پرتنش ترین مناطق کنونی جهان، سرچشمه گرفته اند. اگر دین بتواند در این منطقه به منبعی برای صلح و پیوند تبدیل شود، آن گاه مردمان سراسر جهان الهام خواهند گرفت تا با تکیه بر باورها و هویت‌های خود، به روند جهانی همگرایی و همزیستی بپیوندند

با تمام وجود امیدوارم که شیوه و روی کرد مطرح شده در این نوشته بتواند سهمی در التیام جهان زخمی ما داشته باشد. برادری، در ذات خود نعمتی است گران سنگ و ارزشی والا. افزون بر این، برادری راهی است برای پرداختن به مسایل بنیادی و اضطراری بشر. بیگانگی، ترس و نفرت نسبت به دیگران، نه تنها دردها را درمان نمی کند، بلکه زخم‌ها را عمیق تر و مشکلات را پیچیده تر می سازد. رمز گشایش راه‌ها را می توان در سه واژه خلاصه کرد: "ارتباط پیش از اصلاح". با در آغوش گرفتن این نگاه برادرانه، می توانیم دست در دست هم، راه‌هایی برای عبور از بحران‌هایی بیابیم که تا دیروز، عبور از آن‌ها ناممکن می نمود

دانش جویانم گاهی از من می پرسند: "ربی یاکوف، آیا واقعاً فکر می کنی که صرفاً دیدار و رابطه‌ای که بین تو و یک امام شکل می گیرد، می تواند صلح به بار بیاورد؟" پاسخ من این است که مسأله این نیست که چنین دیداری صلح می آفریند، بلکه خود این دیدار، صلح است! وقتی دو نفر رابطه‌ای معنادار برقرار می کنند و از ژرفای وجودشان با هم پیوند می خورند، این نه فقط راهی به سوی شالوم (صلح) است، بلکه خود شالوم است. هدف آن است که این رابطه را در ابعادی میلیونی گسترش دهیم. آن گاه از دانش آموزانم می خواهم که هم پیمان شوند و روابط تازه‌ای با "دیگری" ایجاد کنند.

ما به یک هم‌پیمانی گسترده میان رهبران و توده‌های مردم از هر دو دین نیاز داریم، با دیدارها و برنامه‌های آموزشی فراگیر از پایین به بالا، تا صلح و برادری را هرچه بیشتر و عمیق‌تر میان جوامع مان گسترش دهیم

این رساله چشم‌اندازی از روابط یهودیان و مسلمانان ارائه داد، اما امید به آینده، افقی بسیار گسترده‌تر را دربر می‌گیرد—آرزوی برادری برای تمامی بشریت. در پایان، با سخنان ربی آبراهام اسحاق کوک، درباره‌ی چشم‌انداز او از آینده‌ای که در آن بشریت به هم نزدیک خواهد شد و شکاف‌های میان همه‌ی ادیان از میان خواهد رفت، سخن را به پایان می‌برم

عشق به تمامی هستی، قلبِ انسان دیندار را لبریز می‌کند... امید به خوشبختی همه، آرزوی روشنایی و شادی برای همگان... و آن‌گاه که این انسان‌ها به میان ساکنان زمین می‌آیند و با تفرقه‌ی ملت‌ها، ادیان، فرقه‌ها و آرمان‌های متضاد روبه‌رو می‌شوند، با تمام توان خود می‌کوشند همه‌چیز را دربر گیرند، متحد سازند و گرد هم آورند.¹⁶⁸

¹⁶⁸ خاخام آبراهام آیزاک کوک، شموئله کۆتسیم ۱: ۱۰۱.

پیوست: درباره‌ی مرکز بین‌ادیانی آر توراه

مرکز بین‌ادیانی آر توراه که با هدف پیش‌برد پژوهش‌ها و دیدارهای بین‌ادیانی تأسیس شده است، از مؤسسه‌ی بلیکله برای گفت‌وگوی بین‌ادیانی و "بیت‌مدرش برای یهودیت و انسانیت" تشکیل شده است

این مرکز با هدف تبدیل دین به بخشی از راه حل چالش‌های جهانی، از طریق ترویج شناسایی متقابل و احترام میان یهودیت و دیگر ادیان فعالیت می‌کند. پایه و اساس آن، این باور است که یهودیت نقش مهمی در داستان بزرگ‌تر بشریت ایفا می‌کند، به ویژه در این عصر جدید جهانی سازی از یک سو، و تأسیس اسرائیل از سوی دیگر

ابتکارات این مرکز شامل توسعه‌ی زیر ساخت فکری، جلب حمایت درون جامعه‌ی یهود برای گفت‌وگوی بین‌ادیانی، و پیشبرد ارتباطات بلند مدت با رهبران ادیان دیگر (با تأکید ویژه بر جهان اسلام) است. این مرکز مورد شناسایی رهبران و نهادهای دینی و سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی قرار گرفته است و با رهبران برجسته‌ای در کشورهایی هم‌چون مراکش، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، اندونزی، قزاقستان، آلمان، ایالات متحده آمریکا، و دیگر کشورها، هم‌چنین در اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین، ارتباط دارد

رویدادهای هولناک هفتم اکتبر، جهان را با نتایج تسلیح دین و چالشی که برای ثبات جهانی ایجاد می‌کند، به طور نزدیک مواجه ساخت. علاوه بر آن، نا آرامی‌های اخیر در غزه نیز موجب افزایش یهودستیزی در سراسر جهان شده است، در حالی که جوامع مسلمان نیز پیامدهای اسلام‌هراسی را متحمل می‌شوند. این وضعیت زمینه‌ای مشترک از منافع را برای رهبران مذهبی یهودی و مسلمان ایجاد کرده است و ما معتقدیم که اکنون زمان آن رسیده که آن‌ها پیشگام شده و ائتلاف‌های خلاقانه‌ای با یک دیگر شکل دهند. چنین ائتلاف‌هایی می‌توانند به کاهش تنش‌های درونی میان یهودیان و جامعه اسرائیل، که در رابطه با "دیگری" دچار تفرقه‌اند، نیز کمک کنند

ما چشم انداز ایجاد یک بیانیه مشترک یهودی-مسلمان مشابه نوسترا آیتاته¹⁶⁹ را داریم، زیرا سال آینده (۲۰۲۵) شصتمین سالگرد این اعلامیه تأثیرگذار را گرامی می‌داریم و می‌خواهیم از این فرصت برای ترویج فرآیندی مشابه میان یهودیان و مسلمانان بهره برداری کنیم

ما از دریافت نظرات و دیدگاه‌های شما خوشحال می‌شویم
ومایل به برقراری ارتباط با شما هستیم.



خاخام دکتر یعقوب ناگن

مدیر اجرایی

+972.52.595.9045

ynagen@ots.org.il

رابی دکتر آرون آرل لاوی

مدیر عامل

+972.50.473.4513

lavi@ots.org.il



¹⁶⁹نوسترا آتاته (از لاتین: "در زمان ما") یا اعلامیه درباره رابطه کلیسا با ادیان غیرمسیحی، نخستین اعلامیه در تاریخ کلیسای کاتولیک بود که بر رابطه کاتولیک‌ها با یهودیان، مسلمانان و دیگر ادیان تمرکز داشت. این اعلامیه که در سال ۱۹۶۵ توسط واتیکان منتشر شد، به عنوان یک اعلامیه تاریخی و بسیار مهم شناخته می‌شود که سهم قابل توجهی در ترویج صلح و تساهل در سراسر جهان داشته است

نیاز به اخوت دینی میان یهودیان و مسلمانان

آیا دین می‌تواند از منبعی برای درگیری در خاور میانه، به بخشی از راه حل تبدیل شود؟ آیا هویت‌های اساسی ما می‌توانند ما را به هم نزدیک کنند تا آینده‌ای مشترک بسازیم؟ زمان آن فرا رسیده است که اسلام و یهودیت هر دو درک کنند که رابطه‌ی آن‌ها نباید به عنوان روایتی رقیب نگر یسته شود، بلکه به عنوان اجزایی مکمل از یک داستان مشترک باید دیده شود.

این فراخوان در متون مقدس بنیان‌گذار ما طنین انداز است؛ متونی که مبنایی محکم برای به رسمیت شناختن ارزش، مشروعیت و برکت در هویت دینی دیگری فراهم می‌آورند.

علاوه بر این، ادیان ما از طریق پدر مشترک مان، حضرت ابراهیم، که اسحاق و اسماعیل به ترتیب نیاکان ما هستند، پیوند خانوادگی عمیقی دارند. این پیوند می‌تواند زمینه ساز رقابت باشد، اما در عین حال ظرفیت برادری را نیز در خود دارد. ما بر این باوریم که پرورش احترام متقابل و وحدت، وظیفه‌ی مشترک ما در برابر خداوند است، تا اراده‌ی الهی را در مورد هر دو دین‌مان محقق سازیم.

ما، خاخام‌های مرکز گفت‌وگوی میان‌ادیانی "آر توراه"، سال‌هاست که با رهبران دینی مسلمان همکاری می‌کنیم تا آن چه را که به عنوان یک فرایند تاریخی می‌بینیم، پیش ببریم: تدوین مجموعه‌ای اصیل و مبتنی بر متون دینی از الگوهای الهیاتی که هویت دینی دیگری را به رسمیت شناخته و ارزشمند می‌دانند، و آن را مکملی در خدمت به پروردگار تلقی می‌کنند. در نوشتار "اخوت دینی میان یهودیان و مسلمانان: الگویی نو برای آینده‌ای مشترک"، نقشه راه الهیاتی این مسیر را ارائه کرده ایم.